

نویسنده: ستر جنرال عطامحمد نور / والی بلخ

رهایی از بن بست

اجماع ملی، انتخابات آینده و پاره‌یی از مسایل دیگر

حکومت را بر اساس نیازمندی جامعه خویش مهندسی نموده، در معرض اجرا قرار دهیم. با توجه به نقش بی‌بدیل مردم در سرنوشت سیاسی افغانستان و با اتکا به باورهای عمومی و با در نظر داشت منافع ملی کشور، ایجاد یک اجماع بزرگ ملی را با حضور تمامی طرف‌های مطرح و مؤثر در قضایای افغانستان، به عنوان یک راهکار مؤثر ملی پیشنهاد می‌دارم. این اجماع که تشکیل آن نیازمند حضور و سهم‌گیری فعال و گسترده تمامی طرف‌هاست، راه را به سوی یک تفکر ملی باز می‌کند و بدین ترتیب، سرنوشت عمومی کشور به‌ویژه اهتمام برای تدویر انتخابات ریاست جمهوری در این اجماع تعیین خواهد شد. لازم به یادآوری است که هدف من از تدویر این اجماع ملی، نه جازدن خود، که تأمین منافع ملی و مصلحت افغانستان عزیز است. برخلاف تعبیرهای فردی از اجماع ملی که به هدف تاج‌گذاری بر خود صورت می‌گیرد، من آن را مولد یک فکر ملی برای ایجاد وحدت و هم‌بستگی می‌دانم و مسیری برای عزت و سعادت کشورم. هدف مشخص من از تدویر اجماع ملی، نجات افغانستان از بحران و مدیریت کشور پس از سال ۲۰۱۴ است، تا به نگرانی‌های مردم پایان داده شود.

وضعیت موجود با توجه به تغییرات و تحولات احتمالی پس از سال ۲۰۱۴، مستلزم آن است که همه افغانستانی‌های وطن‌دوست و باحساس به دور از تعلقات قومی، مذهبی، فکری و سیاسی، به نام افغانستان در یک مجموعه ملی با داشتن آشنای مشخص سیاسی گردیم. منافع شخصی، گروهی و حزبی‌شان را فدای منافع عالی‌ای افغانستان کنند. اصول و معیارهای اصلی نجات افغانستان از بحران موجود را مشترکاً تدوین و در تحقق آن، سهم خویش را ایفا نمایند تا کشور در جریان سال ۲۰۱۴ میلادی و پس از آن مدیریت سالم شود و رهبران و بزرگان افغانستان، هوشیاری سیاسی و توانایی مدیریت وطن خویش را به جامعه جهانی به نمایش بگذارند. تنها راهی که می‌تواند ما را از این مسیر به سلامت عبور دهد، وحدت فکر برای آبادی این سرزمین و نجات از مصایب، یعنی همان اجماع ملی است. باور دارم که این برنامه گزینه خوبی برای رفع مشکلات کنونی کشور است. مردم افغانستان باید این شهادت را داشته باشند که جدا از منافع حزبی، سیاسی و گروهی، در محور یک اجماع بزرگ برای خیر و صلاح افغانستان گرد بیایند و به جهانیان ثابت کنند که سرزمین‌شان را دوست دارند و به عزت و سربلندی کشور خود می‌اندیشند.

■ ساختار :

- اجماع ملی با حضور طیف‌ها و طبقات زیر تشکیل می‌شود :
- حکومت افغانستان
- رهبران محترم جهادی
- اعضای شورای ملی
- اپوزیسیون سیاسی
- گروه‌ها و احزاب سیاسی
- اپوزیسیون مسلح
- جامعه مدنی
- شخصیت‌های شهر و شناخته شده
- زنان سرشناس
- جوانان خیره و آگاه
- علمای جید و مؤثر
- دانشمندان، متخصصان (در صورتی که از سوی گروه‌ها راه نیابند)
- شعرا و نویسندگان (در صورتی که از سوی گروه‌ها راه نیابند)
- اهل خبره (در صورتی که از سوی گروه‌ها راه نیابند)
- نمایندگان معلولان کشور

■ مکانیزم :

حکومت افغانستان به عنوان یک مکلفیت اخلاقی و سیاسی، کمیسیون را ایجاد کند که در ترکیب آن، نمایندگان حکومت افغانستان، نمایندگان رهبران محترم جهادی، نمایندگان مجلسین شورای ملی، نمایندگان اپوزیسیون سیاسی و مسلح و جامعه مدنی حضور... ادامه صفحه ۷



می‌پندارم؛ اما هرگز دنبال تطبیق این نوع نظام در افغانستان نخواهم بود، زیرا تطبیق این نوع نظام برای افغانستان مساوی با تجزیه این کشور می‌باشد که هرگز این امر پذیرفتنی نیست. انتخابات پُر از تقلب، دموکراسی و باور مردم را خدشه‌دار می‌سازد؛ اما تجدید نظر در ساختارها و مکانیزم‌ها می‌تواند برای احیای روحیه عمومی در باب انتخابات، تأثیرات مثبتی به‌بار آورد. با توجه به نزدیک شدن انتخابات از یک سو و خروج نیروهای بین‌المللی از جانب دیگر، رسیدن به یک اجماع ملی و فراگیر، از نیازهای اساسی برای حفظ دستاوردها و دست‌یابی به توسعه و ثبات در افغانستان است.

اجماع ملی که مبین یک تفکر بزرگ سیاسی برای گردآوری افکار و اندیشه‌های متفاوت در محوریت منافع عمومی کشور است، گروه‌های سیاسی را به یک قدرت وسیع حول یک فکر همه‌گانی تبدیل می‌کند. این شیوه به علاوه آن‌که ریشه در سنت‌ها و باورهای دینی ما دارد، از حمایت مولفه‌های دموکراسی نیز برخوردار می‌باشد. با توجه به همین اصل و با اتکا به ایجاد یک باور ملی در میان دولت، گروه‌های سیاسی، نهادهای مدنی و شخصیت‌های مؤثر، راهکارهای آتی را برای برگزاری حتمی و قانونی انتخابات، شفافیت و عمومیت آن و همچنین توجه به تغییر مکانیزم‌های انتخابات استوار بر اصل شفافیت و عدالت، پیش‌کش می‌دارم.

■ میحث نخست:

■ اجماع ملی

جمع شدن مردم در محور ارزش‌های انسانی و اسلامی و پذیرفتن حقوق شهروندی، آزادی‌های فردی و مدنی را در افغانستان مشخص ساخته و آینده باثبات سیاسی در کشور را تضمین می‌کند. نبود یک تیوری عادلانه برای ملت شدن از گذشته‌های دور، همواره دلیلی برای بی‌ثباتی و بحران عمیق اجتماعی در افغانستان بوده است. افغانستان خانه مشترک تمام اقوام ساکن در این سرزمین است، بنابراین هویت دولت ملی باید در محور ارزش‌های همه‌گانی و فراگیر شکل گیرد. قاعده دولت ملی باید تبعیض‌های قومی، زبانی، مذهبی و جنسیتی را به‌شدت رد نموده، در قسمت تقسیم عادلانه قدرت، توزیع متوازن ثروت و دیگر منابع، تعادل را در نظر داشته، مصونیت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و شغلی را به طور یک‌سان برای همه شهروندان کشور میسر سازد. موارد ذکر شده بالا، زمینه را برای فعالیت‌های جامعه مدنی هموار می‌سازد. نقش جامعه مدنی در شکل‌دهی فرهنگ سیاسی فراگیر، همه‌شمول و همه‌پذیر و ایجاد حس ملی در محور ارزش‌های تاریخی، فرهنگی و هویتی اقوام مختلف، در کشور چندقومی چون افغانستان، مهم و اجتناب‌ناپذیر است. بعد از شکل‌گیری یک فرهنگ سیاسی و هویت فراگیر، ما می‌توانیم نظام سیاسی و نوعیت

سال‌های درازی سپری شد تا افغانستان از مراحل دشوار مبارزات حق‌طلبانه خویش، به سوی دور جدیدی از پیشرفت و تکامل، راه باز کرد. پویایی و پایایی این دور، ثمره کار نیروهای تأثیرگذار و مردمی در این سرزمین و نتیجه تلاش آنانی است که از عرق جبین تا خون پاک خویش و از مهاجرت تا کوه‌گردی را تحمل کردند تا این ملت سربلند، در سایه عزت و غرور، آزادی و آبادی، زنده‌گی کنند.

افغانستان پس از بن اول تا امروز، مراحل مختلفی را در کارزار سیاست ملی، منطقه‌یی و جهانی سپری کرد. حمایت گسترده جامعه جهانی در کنار حضور فعال آنان برای همکاری‌های امنیتی و سرازیر شدن میلیاردها دلار کمک جهان برای پیشرفت و ترقی این کشور، همه و همه امیدواری به یک آینده درخشان را در این سرزمین تقویت بخشید. در کنار دیگر روندها، رویکردهای سیاسی با نوبل‌وگی و ناپخته‌گی اش، مراحل چندی را گذرانید. با آن‌که آسیب‌های ناشی از سیاست‌های اجرا شده در این کشور به دلایل مختلف از جمله: تازه‌گی در رویکرد سیاست‌های مدرن و دموکراتیک، مداخلات و دست‌اندازی‌های منطقه‌یی و جهانی، عدم شناخت دقیق نیروهای جهانی از مردم و جغرافیا، عقاید و باورهای مردم، عملکردهای ناشایسته و خلاف توقع جامعه افغانی، مصرف بیش از حد پول بدون توجه به ظرفیت افغان‌ها که ناشی از ضعف مدیریت بحران است، خطاهای ملی و بین‌المللی را به همراه داشت؛ اما جلوگیری از تداوم این خطاها، نباید از دستور کار ما به عنوان یک امر ملی، فراموش شود.

اینک ما با گذار از یک دوره سیاسی، وارد مرحله جدیدی از تحولات و تعاملات سیاسی شده‌ایم. دهه تحول، در پیش رو است و عبور از این مرحله، نیازمند یک رویکرد ملی و فراگیر سیاسی با حضور گروه‌ها و هسته‌های مختلف و تأثیرگذار می‌باشد. گذشته نه چندان دور سیاسی این کشور نشان می‌دهد که حضور منحصرانه و تک‌گروهی، هرگز برای ثبات و پایداری و همین‌گونه انکشاف این کشور تأثیر مثبت ندارد، بلکه خطرات بی‌شماری به شمول بی‌اعتمادی ملی را به بار می‌آورد.

جلوگیری از انحصار نظام توسط قدرت فردی به‌هدف توسعه مشارکت ملی و در کنار آن، توجه به تقسیم قدرت از طریق برنامه جامع غیرمرکزی‌سازی قدرت (De Centralization) (نه آن‌چه نظام فدرال حکم می‌کند، بلکه آن‌چه در اصل ساختار غیرمرکزی‌سازی قدرت به عنوان یک مولفه دموکراتیک وجود دارد)، نه تنها که ایجاد یک نظام پاسخ‌گو را به همراه دارد، که از استبداد، بی‌اعتمادی، فردگرایی، بی‌توجهی به آرای مردم و سیستم‌های عمومی نظام نیز می‌کاهد. سوءتفاهم پیش نیاید: من برعلاوه آن‌که مخالف نظام فدرال نیستم، این نوع نظام را یک سیستم مدرن و خوب

سخن‌ماندگار

مجلس نماینده‌گان و آزمون‌های تازه

سال سوم دوره شانزدهم پارلمان کشور با سخنرانی رئیس‌جمهوری آغاز شد و حالا آزمون دیگری در برابر نماینده‌گان مردم قرار گرفته است. این سال کاری، با تحولات بنیادی و سرنوشت‌ساز در حیات سیاسی کشور مصادف شده و انتظار می‌رود که مجلس نماینده‌گان به عنوان قوه مقننه و ناظر بر عمل‌کرد قوه مجریه، از خود کفایت و درایت نشان دهد. موضوعی که ظرف دو سال گذشته، همواره با پرسش‌هایی از سوی مردم و شهروندان روبه‌رو بوده است.

مردم در مجموع اعتماد و باور خود را به دو قوه دیگر - اگر نگوئیم کاملاً - به میزان قابل توجهی از دست داده‌اند. فساد در دو قوه اجراییه و قضاییه به بن‌بست در جامعه منجر شده و فضا را به سمت اغتشاش و سراسیمه‌گی هدایت نموده است. همین حالا قوه قضاییه با بحران عدم مشروعیت روبه‌روست و سال‌هاست که مقام‌های ارشد این قوه، دوره کاری‌شان پایان یافته و رئیس‌جمهوری هم‌چنان افرادی را که مشروعیت حقوقی ندارند، در مهم‌ترین دستگاه قضایی و عدلی کشور به عنوان سرپرست نگه داشته است. در این باره، یک نگرانی وجود دارد که مبدا آقای کرزی و برخی اطرافیان او، عمداً نمی‌خواهند به بحران مشروعیت در این دستگاه پایان دهند، و برای آینده طرح‌ها و برنامه‌هایی روی دست دارند که با همیاری این افراد در قوه قضاییه، می‌توانند به آن‌ها جامه عمل ببوشانند. یکی از وظایف اصلی نماینده‌گان مجلس، بررسی این وضعیت و پایان دادن به بحران عدم مشروعیت قوه قضاییه است. افغانستان بدون داشتن یک دستگاه معتمد قضایی و عدلی، با بحران‌های کلان‌تری روبه‌رو خواهد شد که بدون تردید عواقب خطرناک آن، دامن‌گیر تمام نهادها و ساختارهای اداری کشور می‌شود. این وظیفه نماینده‌گان است که مصلحت‌گرایی‌ها را کنار بگذارند و در این مرحله حساس، با مسوولیت بیشتری سال سوم کاری خود را آغاز کنند.

در ساختارهای دولتی کشور نیز کاستی‌های فراوانی به چشم می‌خورد که باید در آشنای کاری امسال مجلس نماینده‌گان لحاظ شوند. کم‌کاری برخی وزارت‌خانه‌ها، مشکلات در نهادهای امنیتی، عدم آمادگی‌ها برای برگزاری انتخابات شفاف و عادلانه، از مهم‌ترین مسایلی‌اند که نیاز به پی‌گیری و توجه مجلس نماینده‌گان دارند.

افغانستان در آستانه ورود به سال ۲۰۱۴ میلادی قرار دارد؛ سالی که در آن قرار است انتخابات برگزار شود و مسوولیت‌های امنیتی کشور در مجموع به نهادهای امنیتی داخلی سپرده شود. بررسی توان‌مندی‌ها و نقطه‌ضعف‌های این روند، بدون همکاری و توجه نماینده‌گان مردم امکان‌پذیر نیست. نگرانی‌های زیادی در سطح جامعه نسبت به رویدادهای سال ۲۰۱۴ از حالا به میان آمده و اگر در راستای کاهش این نگرانی‌ها که بدون شک آب‌شخورهای عینی و عقلانی دارند، کوشش صورت نگیرد، احتمال رفتن کشور به سمت بحران فراگیر و حتا غیرقابل کنترل به میزان بالایی وجود دارد.

مردم نسبت به آینده کشور نگران‌اند و نماینده‌گان آن‌ها در مجلس باید این نگرانی‌ها را درک کنند و جلو خودکامه‌گی‌های حکومت را بگیرند. زدوبند و معامله در یازده سال گذشته پیامدهای خطرناکی را برای کشور رقم زده است. پایان دادن به این روند غیردموکراتیک، باید از پارلمان آغاز شود و تا پایین‌ترین سطوح جامعه ادامه یابد. مجلس نماینده‌گان در این دوره کاری باید از خود کارایی نشان دهد و فریب نیرنگ‌های خودکامه‌گان در دستگاه مجریه و به‌ویژه ارگ ریاست‌جمهوری را نخورد.

اما این همه زمانی می‌تواند امکان‌پذیر شود که مجلس نماینده‌گان نخست‌خانه‌تکانی را از خود آغاز کند. در این روزها بحث بر سر انتخاب هیأت اداری مجلس نماینده‌گان است. هیأت اداری در مجلس می‌تواند نقش مهمی داشته باشد. در موجودیت هیأت اداری کارا، متعهد و مسوولیت‌پذیر، مؤثریت کار مجلس بدون شک بالا می‌رود و وقت‌کشی‌های زیادی که در دو سال گذشته اتفاق افتاد، کاهش می‌یابد.

متأسفانه در دو سال گذشته، هیأت اداری مجلس نماینده‌گان توان‌مندی‌های خود را در بهبود وضعیت و ایجاد تسهیلات در جهت تنظیم عمل‌کرد مجلس، ثابت کرده نتوانست. نیاز است که در این سال با وسواس بیشتری روی این برنامه کار صورت گیرد و افراد توان‌مند و پرتنری در هیأت اداری مجلس انتخاب شوند.

هیأت اداری مجلس به تغییر بنیادی نیاز دارد و از حالا باید نماینده‌گان به این مسأله فکر کنند که در سمت‌های مختلف، کدام افراد و اشخاص می‌توانند کارایی و مؤثریت داشته باشند. حداقل باید هیأت اداری مجلس را مبتنی بر اصل شایسته‌سالاری ساخت و از گرایش‌های قومی، سمتی، زبانی و حزبی اجتناب ورزید.

حکم اعدام ۲۱ نفر در مصر تأیید شد



یک دادگاه در مصر روز شنبه حکم اعدام ۲۱ نفر را تأیید کرد. این افراد متهمند به اینکه ۱۳ ماه پیش در کشته شدن ۷۴ نفر در پی ناآرامی‌های پس از بازی میان دو تیم فوتبال در استادیوم ورزشی پورت سعید مسوول بوده‌اند.

حدود ۱۳ ماه از فاجعه استادیوم ورزشی در پورت سعید می‌گذرد؛ فاجعه‌یی که به بهای جان ۷۴ نفر تمام شد. دادگاه رسیدگی به پرونده این فاجعه در ۲۶ جنوری در بندر «پورت سعید» علیه ۲۱ نفر حکم اعدام صادر کرد و آن‌ها از مسئولین اصلی این رخداد دانست.

در پی اعلام این حکم، پورت سعید به آشوب کشیده شد و درگیری سختی میان معترضان به حکم و نیروهای پلیس رخ داد. طی این درگیری ۳۱ نفر کشته و بیش از ۳۰۰ نفر مجروح شدند.

روز شنبه یک دادگاه مصر حکم اعدام ۲۱ شهروند این کشور را تأیید کرد. با اعلام تأیید حکم انتظار می‌رود که پورت سعید بار دیگر به آشوب کشیده شود.

از زمان اعلام حکم اعدام این ۲۱ نفر در ۲۶ جنوری، پورت سعید روی آرامش به خود ندیده است. اکثر متهمان اهل پورت سعید هستند. در این میان ارتش وظیفه حفاظت از ساختمان‌های دولتی را برعهده گرفته است. علاوه بر ناراضی معترضان نسبت به دولت اسلام گرای مصر، اعتراض اصلی به حکم اعدام ۲۱ نفر است که متهم به دست داشتن در ناآرامی‌های ورزشگاه پورت سعید در بهمن ماه سال گذشته شده‌اند.

ورزشگاه پورت سعید در بهمن ماه سال گذشته پس از پایان مسابقه فوتبال میان دو تیم «الاهلی» قاهره و «المصری» این شهر شاهد درگیری‌های گسترده‌ای بود که به کشته شدن ۷۴ نفر انجامید.

ناآرامی‌های جدید در پورت سعید از آنجا آغاز شد که وزارت داخله مصر اعلام کرد با هدف جلوگیری از درگیری، متهمان پرونده ورزشگاه پورت سعید را به مکان دیگری منتقل خواهد کرد.

قرار است در این پرونده علیه ۵۲ متهم دیگر حکم صادر شود. در این میان طرفداران تیم فوتبال «الاهلی» قاهره، که قربانیان فاجعه از میان آن‌ها بوده‌اند، تهدید کرده‌اند، در صورتی که متهمان پورت سعید اعدام نشوند، دست به آشوب خواهند زد.

درخواست سوچی از حزبش برای حفظ اتحاد



رهبر دموکراسی‌خواه میانمار در بحبوحه ناآرامی‌های داخلی که می‌تواند باعث تضعیف حزبش در انتخابات ۲۰۱۵ میلادی شود، از اعضای این حزب خواست تا متحد شوند.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، آنگ سان سوچی، رهبر دموکراسی‌خواه میانمار در جریان سخنرانی خود در حضور اعضای حزبش موسوم به «لیگ ملی برای دموکراسی» بر «احیای روح برادری» تأکید کرد.

وی به این نکته اشاره کرد که برخی درگیری‌ها و کشمکش‌ها در داخل حزب وجود دارد، اما برخی از تحلیلگران بر این عقیده‌اند که گروه مشاوران ارشد متشکل از ریش سفیدان می‌توانند راه را برای تشویق نسل جوان‌تر به منظور دستیابی به دموکراسی بیشتر و اتحاد حزب باز کنند.

این برنده جایزه صلح نوبل با تأکید بر این موضوع که نمایندگان مردم نباید بر سر جایگاه و موقعیت با یکدیگر به جدال پردازند، افزود: ما باید خویشتندار باشیم.

در صورتی که انتخابات سال ۲۰۱۵ میلادی آزادانه و عادلانه برگزار شود، این حزب احتمالاً پیروز می‌شود. با این حال کارشناسان بر این باورند که ابتدا باید دوستی‌ها و نفاق داخلی میانمار حل و فصل شود.

سوچی گفت، اعضای حزب باید رهبری را برگزینند که موافق دوره کنونی، کشور و حزب باشد.

کنگره میانمار در جریان جدیدترین تغییرات از زمان به قدرت رسیدن تین سین به عنوان رئیس جمهوری این کشور آسیایی در سال ۲۰۱۱ میلادی به سال‌ها انزوا پایان داد و مجوز دریافت کمک و سرمایه‌گذاری‌های خارجی در میانمار را صادر کرد.

رهبر ۶۷ ساله حزب اپوزیسیون میانمار همچنین دستیابی به موقعیت ریاست جمهوری در انتخابات سال ۲۰۱۵ میلادی را منتفی ندانست اما براساس قانون اساسی وی به دلیل ازدواج با یک انگلیسی و داشتن دو پسر که ملیت خارجی دارند از نامزد شدن برای سمت ریاست جمهوری میانمار منع شده است.

یافته‌های جدید: هوای زمین طی چهار هزار سال هیچ‌وقت به این گرمی نبوده است



نتیجه این تحقیق معلوم کرد که دمای هوا از پنج هزار سال پیش در روندی بسیار کند ۱.۳ درجه فارنهایت پایین آمد. ولی این کاهش دما در حدود ۱۰۰ سال پیش متوقف شد، و از آن زمان در چرخشی معکوس و باشتاب، دمای هوا شروع به بالا رفتن کرد. به این ترتیب کاهش دمایی که پنج هزار سال طول کشیده، ظرف ۱۰۰ سال دوباره به حالت قبل برگشت.

روزنامه لس‌آنجلس تایمز هم در گزارشی در این باره، به نقل از یکی از اقلیم‌شناسان سازمان ناسا، نوشت که مقیاس یک درجه فارنهایت را اصلاً نباید دست کم نگرفت چرا که کاهش ۱۰ درجه فارنهایت می‌تواند جهان را به عصر یخبندان بازگرداند و افزایش حدوداً دو درجه‌یی فارنهایت دما هم باعث افزایش بیش از ۲۰ متری سطح آب دریاها می‌شود.

اگر روند گرمایش زمین به همین شیوه ادامه یابد، تا پایان قرن حاضر، یعنی ۸۷ سال دیگر، بشر با گرمایی ورای هر آنچه جامعه بشری پس از عصر یخبندان تاکنون تجربه کرده مواجه خواهد شد.

از سوی دیگر، به گزارش نیویورک تایمز دانشمندان معتقدند که افزایش زیاد گازهای گلخانه‌یی از روند طبیعی بازگشت به دوره کاهش دما جلوگیری می‌کند. بنا بر این گزارش به نقل از دکتر مان، یکی از پژوهشگران دانشگاه پنسیلوانیا در آمریکا، افزایش دما در کوتاه‌مدت بقای بسیاری از گونه‌ها را تهدید می‌کند ضمن اینکه تمدن بشری را تحت تأثیر قرار خواهد داد.

بنا بر این گزارش، دوره فعلی زمین‌شناسی با نام هولوسین بیش از ۱۱ هزار سال قبل با افزایش دما و آب شدن بخش‌های بزرگی از لایه‌های یخی نیم‌کره شمالی آغاز شد، و به عقیده دانشمندان شرایط اقلیمی معتدل دوره هولوسین بود که موجب تولید وسیع آذوقه و در نتیجه پاگرفتن تمدن بشری بر روی کره زمین شد. بشر با تغییر شیوه زندگی خود از شکار دست کشید و به کشت‌وکار روی آورد.

گفت‌وگو درباره شرایط اقلیمی و گرمایش زمین موضوع تازه‌یی نیست، ولی اندازه‌گیری دمای سطح زمین از بیش از یازده هزار سال قبل تاکنون، هرگز پیش از این سابقه نداشته است.

بر اساس گزارش نشریه ساینس که روز جمعه منتشر شده، گروهی از پژوهشگران دانشگاه ایالتی اورگان آمریکا برای بررسی و مقایسه چگونگی بالا رفتن دمای هوا در سطح کره زمین از بیش از یازده هزار سال پیش تاکنون دست به انجام تحقیقات گسترده‌یی زدند.

این پژوهش نشان داد که دست‌کم از چهار هزار سال پیش تاکنون، متوسط دمای هوای کره زمین هیچ‌وقت به این درجه گرم نبوده است، و کره زمین طی دهه‌های آتی با گرمایی روبه‌رو می‌شود که از پیش از عصر یخبندان به این‌سو سابقه نداشته است.

بنا بر گزارش روزنامه نیویورک تایمز، در این پژوهش جامع برای تخمین دمای هوا در طول بیش از یازده هزار سال گذشته، دانشمندان به هشت شیوه از جمله بررسی شکل و قطر حلقه‌های تنه درخت، فسیل‌های دریایی، و رسوبات آبی دریاچه‌ها و اقیانوس‌ها به تحقیق پرداخته‌اند.

هند پاکستان را به مقابله با تروریسم فراخواند



نخست وزیر هند در اظهاراتی تأکید کرد: روابط دو جانبه هند با پاکستان تا زمانی که اسلام‌آباد تروریسم نشأت گرفته از داخل مرزهای خود را کنترل نکند، نمی‌تواند عادی شود.

به گزارش روزنامه وال استریت ژورنال، مانموهان سینگ، نخست وزیر هند در سخنانی خطاب به مجلس علیای پارلمان هند گفت: دهلی نو تلاش‌هایی را برای ارتقاء روابط انجام داده و این تلاش‌ها در روابط میان مردم دو کشور و مبادلات تجاری بهتر نمود داشته است.

این درحالی است که اظهارات مانموهان سینگ پیش از آنکه راجه پرویز اشرف، نخست وزیر پاکستان برای یک سفر زیارتی به مقبره «خواجه معین‌الدین چشتی» به ایالت راجستان هند برود، ایراد شدند.

با وجود آنکه مذاکراتی برنامه‌ریزی نشده، اما سلمان خورشید، وزیر امور خارجه هند میزبان ضیافت ناهاری از نخست وزیر پاکستان خواهد بود.

هند و پاکستان با یکدیگر سه جنگ داشتند که دو مورد از آنها بر سر کشمیر بوده است. دهلی نو اغلب تروریست‌های مستقر در پاکستان را متهم به انجام حملات در خاک هند می‌کند درحالی که اسلام آباد این اتهامات را رد می‌کند.

سی.ان.ان

سه چالش بزرگ فراروی رهبران جدید چین



شبکه امنیت اجتماعی قدرتمندتر ایجاد کند، کارگران چینی فشار کمتری را برای پس انداز به منظور فوریت‌های سلامتی، بیکاری و بازنشستگی و به احتمال زیاد در خرید اجناس و خدمات احساس کرده و یک اقتصاد مصرف محور بالغ را ایجاد می‌کنند.

۲- تعداد بسیار زیاد مردان:

چین در اواخر دهه ۱۹۷۰ در مواجهه با تعداد بسیار زیاد جمعیت خود تلاش کرد تا ترمز تولید مثل را از طریق اجرای یک سیاست مناقشه برانگیز که تعداد فرزندان برای زوج‌ها را در برخی مناطق تا یک فرزند محدود می‌کرد، بکشد.

راب بروکس، بیولوژیست تکاملی، اظهار داشت که تعصب فرهنگی به نفع کودکان پسر منجر به یک نسبت نامتعادل جمعیتی به نفع جنس مذکر در چین شده که طی آن میلیون‌ها مرد چینی به دلیل کمبود شرکای زن با آینده‌یی نامعلوم روبرو هستند.

بروکس می‌نویسد: سخت است که بر نیاز مبرم چین به تقلید از کوریای جنوبی برای از بین بردن سقط جنین‌های با تعصب جنسیتی تأکید کنیم.

۳- تامین غذا، آب و هوا برای چینی‌ها:

میراث صادرات ارزان قیمت با کار زیاد برای چین یک محیط زیست طبیعی آلوده شده از طریق عوامل آلودگی‌زای رشد اقتصادی بوده است.

ژئوف هیسکاک، نویسنده استرالیایی عنوان می‌دارد که تامین غذا، آب و هوا برای ۱ / ۳۵ میلیارد چینی یکی از بزرگترین چالش‌های رهبران چین است.

هیسکاک می‌نویسد: پکن و بخش‌های شمال شرقی چین تحت فشار برای تامین آب هستند، کیفیت هوا در داخل ابرشهرهایی نظیر چونگ‌کینگ و چنگدو ناگوار است، زمین‌های کشاورزی آلوده به سموم ایجاد شده از فعالیت‌های معدنی و صنعتی است، باران‌های اسیدی بخش‌های وسیعی از جنوب چین را با خسارت گسترده روبرو کرده، بیماری‌های مسری در میان احشام از هر زمان بیشتر شده و تولیدکنندگان بی‌وجدان مواد غذایی آلوده می‌فروشند.

شکبه خبری سی.ان.ان از تعدادی از کارشناسان چین پرسید که بگویند از نظر آنها دشوارترین چالش‌های پیش روی کشور چین چیست. اکنون چهار ماه پس از آن در حالی که دوازدهمین کنگره ملی خلق چین در شهر پکن در حال برگزاری است؛ به مرور آرای آنها می‌پردازیم:

۱- کاهش شکاف ثروت:

در ماه فیبروری دولت چین طرحی را اعلام کرد تا در پنج سال آینده هزینه‌های رفاه اجتماعی را تا میزان دو درصد افزایش دهد.

لی گان، اقتصاددان چینی اظهار می‌دارد که هنوز از حد کفایت در کاهش شکاف ثروت بسیار دور هستیم. وی اظهار داشت که کشورش باید در ابعاد بسیار گسترده‌تری در این زمینه تلاش کند.

وی می‌گوید: اگر دولت چین برای شهروندانش یک

«چهار ماه پس از آن‌که توافقات پنهانی آرایش

جدید رهبران چین را مشخص کرد، شی

جینپینگ قرار است مسوولیت کشوری را که

برای دهه آینده رهبر آن خواهد بود، بر عهده

بگیرد.»

شی جینپینگ همراه با لی کیانگ، نخست‌وزیر جدید چین وارث یک اقتصاد پر بار شده که باعث ایجاد ثروت‌های گسترده برای عده‌یی، یک طبقه متوسط رو به رشد و افزایش میزان کارگران فقیر مهاجری شده است که هر چه بیشتر از سهم خود از زندگی ناراضی می‌شوند. اما شکاف در حال تعمیق ثروت در چین تنها چالش پیش روی ۱ / ۳ میلیارد چینی نیست. در ماه نومبر در جریان برگزاری هجدهمین کنگره ملی حزب کمونیست چین



موقعیت روح در وجود انسان

بدن انسان مانند همه حیوانات، مجموعه‌یی از یاخته‌ها (سلول‌ها) است که هر یک از آنها همواره در حال سوخت‌وساز و تحول و تبدل می‌باشد و شماره آن‌ها از آغاز تولد تا پایان زنده‌گی، عوض نمی‌شود یا تعداد یاخته‌هایش همواره ثابت می‌ماند. با توجه به این تغییرات و تحولاتی که در بدن حیوانات و به خصوص انسان، رخ می‌دهد، این پرسش، مطرح می‌شود که

پس پرسش درباره خود این عامل، مطرح می‌شود که حقیقت آن چیست؟ و ملاک وحدت آن کدام است؟ طبق نظریه فلسفی معروف، ملاک وحدت در هر موجود طبیعی، امر بسیط (=غیر مرکب) و نامحسوس به نام «طبیعت» یا «صورت» (۲) است که با تحولات ماده، عوض نمی‌شود و در موجودات زنده که افعال مختلف و گوناگونی از قبیل تغذیه و نمو و تولید مثل انجام می‌دهند، این



به چه ملاکی باید این مجموعه متغیر را، موجود واحدی به حساب آورد؛ با این که ممکن است اجزای آن در طول زنده‌گی، چندین بار عوض شود؟ (۱)

پاسخ ساده‌یی که به این پرسش داده می‌شود این است که ملاک وحدت در هر موجود زنده‌یی، پیوسته‌گی اجزای هم‌زمان و ناهم‌زمان آن است و هر چند سلول‌هایی تدریجاً می‌میرند و سلول‌های تازه‌یی جای آن‌ها را می‌گیرند، اما به لحاظ پیوسته‌گی این جریان، می‌توان این مجموعه باز و در حال نوسان را موجود واحدی شمرد.

ولی این، پاسخ قانع‌کننده‌یی نیست؛ زیرا اگر ساختمان را فرض کنیم که از تعدادی خشت، تشکیل شده و خشت‌های آن را تدریجاً عوض می‌کنند، به طوری که بعد از مدتی هیچ‌یک از خشت‌های قبلی، باقی نمی‌ماند، نمی‌توان مجموعه خشت‌های جدید را همان ساختمان قبلی دانست، هر چند از روی مسامحه و به لحاظ شکل ظاهری، چنین تعبیراتی به کار می‌رود مخصوصاً از طرف کسانی که اطلاعی از تعویض اجزای مجموعه ندارند.

ممکن است پاسخ گذشته را به این صورت، تکمیل کرد که این تحولات تدریجی در صورتی به وحدت مجموعه، آسیبی نمی‌رساند که بر اساس یک عامل طبیعی و درونی، انجام بگیرد، چنان‌که در موجودات زنده ملاحظه می‌شود. اما تبدیل خشت‌های ساختمان به وسیله عامل بیرونی و قشری، حاصل می‌شود و از این رو نمی‌توان وحدت و این همانی حقیقی را در طول جریان تعویض اجزا، به آن‌ها نسبت داد.

این پاسخ، مبتنی بر پذیرفتن عامل طبیعی واحدی است که در جریان تحولات، همواره باقی می‌ماند و نظم و هماهنگی اجزا و اعضای ارگانسیم را حفظ می‌کند.

عامل به نام «نفس» نامیده می‌شود. فلاسفه پیشین، نفس نباتی و حیوانی را «مادی» و نفس انسانی را «مجرد» می‌دانسته‌اند، ولی بسیاری از حکمای اسلامی و از جمله صدرالمآلهین شیرازی، نفس حیوانی را نیز دارای مرتبه‌یی از تجرد دانسته و شعور و اراده را از لوازم و علائم موجود مجرد، قلمداد کرده‌اند. ولی ماتریالیست‌ها که وجود را منحصر به ماده و خواص آن می‌دانند، روح مجرد را انکار می‌کنند و مادیین جدید (مانند پوزیتیویست‌ها) اساساً منکر هر چیز نامحسوس هستند و دست‌کم، امر غیرمحسوس را نیز نمی‌پذیرند و طبعاً پاسخ صحیحی برای ملاک وحدت در موجودات زنده هم ندارند.

بنابر این که ملاک وحدت در نباتات، نفس نباتی آن‌ها می‌باشد، زنده‌گی نباتی در گرو وجود صورت و نفس نباتی خاص در مواد مستعد می‌باشد و هنگامی که استعداد مواد از بین برود، صورت یا نفس نباتی هم نابود می‌شود و اگر فرض کنیم که همان مواد مجدداً استعداد پذیرفتن صورت نباتی را پیدا کنند، نفس نباتی جدیدی به آن‌ها اضافه می‌شود، ولی دو گیاه کهنه و نو با وجود مشابهت کامل نیز، وحدت حقیقی نخواهند داشت و با نظر دقیق نمی‌توان نبات جدید را همان نبات قبلی دانست. اما در مورد حیوان و انسان، چون نفس آن‌ها مجرد است، می‌تواند بعد از متلاشی شدن بدن هم باقی باشد و هنگامی که مجدداً به بدن، تعلق بگیرد، وحدت و «این همانی» شخص را حفظ کند، چنان‌که قبل از مرگ هم همین وحدت روح، ملاک وحدت شخص می‌باشد و تبدل مواد بدن، موجب تعدد شخص نمی‌شود.

ولی اگر کسی وجود حیوان و انسان را منحصر به همین بدن محسوس و خواص

و اعراض آن ببیند و روح را هم یکی یا مجموعه‌یی از خواص بدن بشمارد و حتا اگر آن را صورتی نامحسوس ولی مادی بداند که با متلاشی شدن اندام‌های بدن، نابود می‌شود، چنین کسی نمی‌تواند تصور صحیحی از معاد داشته باشد؛ زیرا به فرض این که بدن، استعداد جدیدی برای حیات پیدا کند، خواص و اعراض نوینی در آن‌ها پدید می‌آید و دیگر ملاک حقیقی برای وحدت و «این همانی» آن‌ها وجود نخواهد داشت، چرا که فرض این است که خواص قبلی به کلی نابود شده و خواص جدیدی پدید آمده است. حاصل آن‌که: در صورتی می‌توان حیات پس از مرگ را به صورت صحیحی تصور کرد که روح را غیر از بدن و خواص و اعراض آن بدانیم و حتا آن را صورتی مادی که در بدن، حلول کرده باشد و با متلاشی شدن آن، نابود شود، ندانیم. پس اولاً باید وجود روح را پذیرفت، و ثانیاً باید آن را امری جوهری دانست نه از قبیل اعراض بدن، و ثالثاً باید آن را قابل استقلال و قابل بقای بعد از متلاشی شدن بدن دانست، نه مانند صورت‌های حلول‌کننده (و به اصطلاح، منطبق در ماده) که با متلاشی شدن بدن، نابود می‌شوند.

موقعیت روح در وجود انسان
نکته دیگری را که باید در این جا خاطر نشان کنیم، این است که ترکیب انسان از روح و بدن، مانند ترکیب آب از اکسیجن و هایدروجن نیست که با جدا شدن آن‌ها از یکدیگر، موجود مرکب به عنوان یک «کل» نابود شود، بلکه روح، عنصر اصلی انسان است و تا آن باقی باشد، انسانیت انسان و شخصیت شخص، محفوظ خواهد بود و به همین جهت است که عوض شدن سلول‌های بدن، آسیبی به وحدت شخص نمی‌رساند؛ زیرا ملاک وحدت حقیقی انسان، همان وحدت روح اوست. قرآن کریم با اشاره به این حقیقت، در پاسخ منکرین معاد که می‌گفتند: «چه‌گونه ممکن است انسان بعد از متلاشی شدن اجزای بدنش حیات جدیدی بیابد؟» می‌فرماید: **قُلْ يَتَوَفَّكُم مَلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ.** (۳) بگو (شما) نابود نمی‌شوید بلکه فرشته مرگ شما را می‌گیرد. پس قوام انسانیت و شخصیت هر کسی به همان چیزی است که ملک الموت آن را قبض و توفی می‌کند، نه به اجزای بدنش که در زمین، پراکنده می‌شود.

پی‌نوشت:

۱. قبل از طرح این پرسش، می‌توان پرسش دیگری را مطرح کرد که اساساً ملاک وحدت در مجموعه‌های ثابت و بسته چیست؟ و ترکیبات کیمیایی و ارگانیک را به چه ملاکی می‌توان موجود واحدی شمرد؟ ولی برای جلوگیری از گسترش بحث، از مطرح کردن آن در این جا خودداری شده است. رجوع کنید به: آموزش فلسفه، جلد اول، درس ۲۹.

۲. باید دانست که هر یک از این واژه‌ها، معانی اصطلاحی دیگری نیز دارند و منظور از آن‌ها در این جا همان صورت نوعیه است.

۳. سجده ۱۱.

مواد غذایی مفید و مضر برای خواب

اگر می‌توانستید بهترین مواد غذایی که برای بهتر خوابیدن به شما کمک می‌کنند را انتخاب کنید، آیا واقعاً این کار را نمی‌کردید؟ و اگر می‌دانستید کدام مواد غذایی خواب‌تان را خراب می‌کنند، آیا از خوردن آن‌ها اجتناب نمی‌کردید؟... اکنون این فرصت برای شما فراهم شده تا با مواد غذایی‌یی که بر خواب‌تان تاثیر دارند، آشنا شوید.

به دنبال مواد غذایی سرشار از تریپتوفان باشید

همه ما قدرت جادویی شیر داغ برای فرستادن ما به خواب هفت پادشاه را شنیده‌ایم. می‌دانید چرا؟ لبنیات حاوی تریپتوفان هستند که ماده‌یی خواب‌آور است. مواد غذایی دیگری که سرشار از تریپتوفان هستند عبارتند از میوه خشک، کيله، عسل و تخم مرغ.

کربوهیدرات بخورید

مواد غذایی سرشار از کربوهیدرات با افزایش سطح تریپتوفان موجود در خون، مکمل لبنیات هستند. بنابراین چند غذای کربوهیدراته سبک که به خواب‌تان کمک کند، می‌تواند یک کاسه سیریاال با شیر، ماست و بیسکویت یا نان و پنیر باشد.

قبل از خواب یک غذای سبک بخورید

اگر با بی‌خوابی دست‌وپنجه نرم می‌کنید، کمی غذا در معده‌تان می‌تواند به خوابیدن شما کمک کند. اما از این جمله برای پر خوری آخر شب‌تان سوءاستفاده نکنید. سعی کنید وعده غذایی‌تان سبک باشد. غذای حجیم، به دستگاه گوارش شما فشار می‌آورد و این مساله برای‌تان ایجاد ناراحتی می‌کند و نمی‌گذارد که بخوابید.

همبرگر و کچالوی سرخ‌کرده را کنار بگذارید

این هم یک دلیل دیگر برای کنار گذاشتن غذاهای پرچرب: تحقیقات نشان می‌دهد که افرادی که اغلب غذاهای پرچرب می‌خورند نه تنها وزن‌شان بالا می‌رود، بلکه چرخه خواب‌شان هم برهم می‌خورد. غذای سنگین گوارش را فعال می‌کند و این باعث می‌شود در طول شب مجبور باشید برای توالی رفتن بیدار شوید.

مراقب کافئین پنهان باشید

جای تعجب نیست که نوشیدن یکی فنجان قهوه در شب ممکن است خواب‌تان را برهم بزند. حتی کافئین متوسط هم ممکن است موجب اختلالات خواب شود. اما مراقب منابعی از کافئین که کمتر مشخص هستند مثل چاکلیت، نوشابه، چای و قهوه‌های بدون کافئین، باشید. برای داشتن خوابی بهتر، چهار تا شش ساعت قبل از خواب، به طور کامل کافئین را از برنامه غذایی‌تان حذف کنید.

بعضی داروها هم ممکن است حاوی کافئین باشند

بعضی داروهای نسخه‌یی یا بدون نسخه هم حاوی کافئین هستند مثل مسکن‌ها، داروهای چربی‌سوز، داروهای ادرارآور و داروهای سرماخوردگی. این‌ها و برخی داروهای دیگر ممکن است حتا بیشتر از یک فنجان قهوه کافئین داشته باشند. برای اطلاع از محتوی کافئین داروها، حتماً روی جلد آن‌ها را مطالعه کنید.

نوشیدنی‌های الکول‌دار مصرف نکنید

شاید نوشیدنی‌های الکولی کمک‌تان کنند زودتر بخوابید، اما ممکن است در طول شب بارها از خواب بیدار شوید و خواب‌تان ثبات کمتری داشته باشد و یا دچار سردرد، تعریق و کابوس شوید. پس برای داشتن یک خواب خوب، بهتر است از مصرف نوشیدنی‌های الکولی خودداری کنید.

مراقب غذاهای سنگین و ادویه‌دار باشید

دراز کشیدن با شکم پر باعث ناراحتی‌تان خواهد شد، زیرا دستگاه گوارش وقتی می‌خوابد، کندتر می‌شود. هم‌چنین مثل غذاهای مصالح‌دار ممکن است باعث سوزش معده شود. دقت کنید که غذاهای سنگین را حداقل ۴ ساعت قبل از خواب به اتمام رسانده باشید.

هنگام خواب مصرف پروتیین را به حداقل برسانید

با این که بسیاری از رژیم‌های غذایی، شب‌ها مصرف پروتیین را توصیه می‌کنند و با این که پروتیین بخش مهمی از برنامه غذایی روزانه را تشکیل می‌دهد، اما برای شب‌ها اصلاً انتخاب خوبی نیست. هضم و گوارش مواد غذایی سرشار از پروتیین سخت‌تر است. از این رو بهتر است از مصرف این غذاها قبل از خواب خودداری کنید و به جای آن یک پیاله شیر گرم یا کمی از کربوهیدرات‌هایی که به خواب کمک می‌کند، مثل بیسکویت، استفاده کنید.

مصرف مایعات را از ۸ شب به بعد قطع کنید

بله، آب‌رسانی به بدن در طول روز اهمیت زیادی دارد، اما مصرف مایعات را قبل از خواب قطع کنید. مطمئناً اگر مجبور شوید مرتباً برای توالی رفتن بیدار شوید، خواب خوبی نخواهید داشت.

با یک سگرت آرامش‌بخش فریب نخورید

نیکوئین یک محرک است و تأثیراتی مشابه کافئین دارد. از مصرف سگرت قبل از خواب خودداری کنید، درغیر این صورت نیمه‌شب از خواب بیدارتان خواهد کرد.

منبع: مردمان

برداشتن گام اول برای

فیلم‌نامه‌نویسی

بخش نخست

شاید دادلی نیکولز در دوران اوج خود معروف‌ترین فیلم‌نامه‌نویس هالیوود به شمار می‌رفت. این شهرت عمدتاً به دلیل همکاری او با جان فورد کارگردان بزرگ امریکایی بود. از بین فیلم‌نامه‌هایی که او برای فورد نوشته است، می‌توان به «خبرچین» (۱۹۳۵)، «دلیجان» (۱۹۳۹)، «راه طولانی به خانه» (۱۹۴۰) اشاره کرد. وی در مقاله حاضر به وضوح اهمیت نقش فیلم‌نامه‌نویس را نشان می‌دهد. البته او تأکید حتماً بیشتری بر ماهیت کار گروهی در فیلم‌سازی دارد و در بخشی از مبحث خود توصیف روشن‌گرانه‌ی درباره‌ی بسیاری از مراحل تولید فیلم ارائه می‌دهد. از فحوای کلام او برمی‌آید که شاید نویسنده نقش اصلی را داشته باشد، ولی حاکم مطلق فیلم، کارگردان است. او حتی ذکری از نقش تهیه‌کننده نیز به میان نمی‌آورد: شاید این غفلت دقیقاً حساب شده باشد.

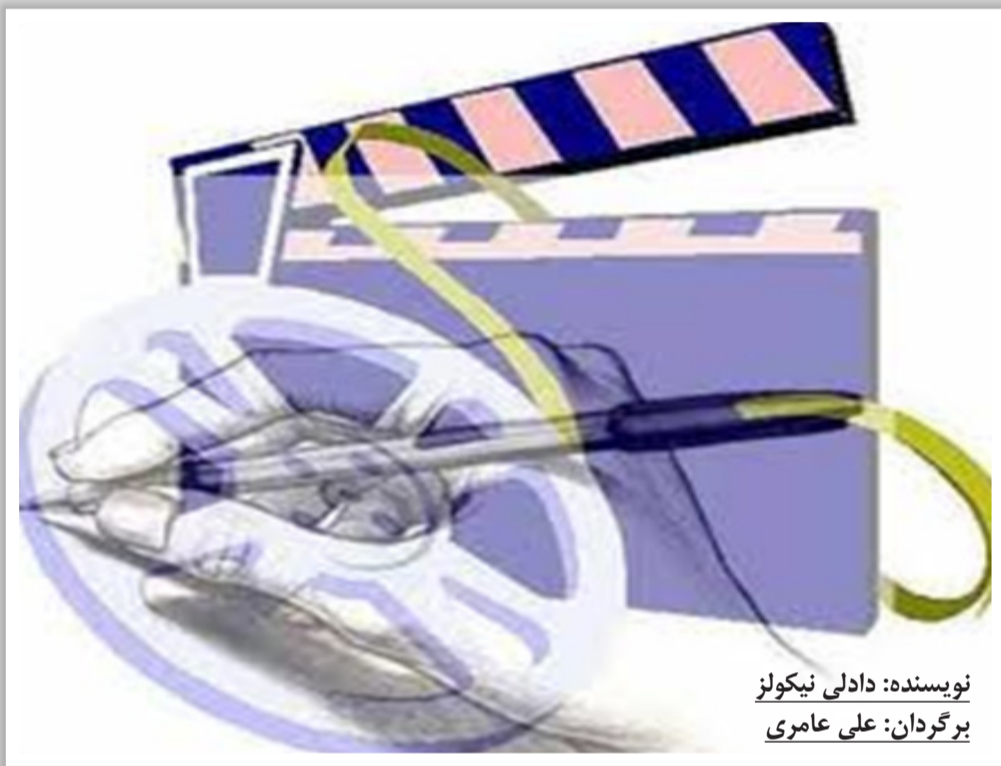
نیکولز ضمن توصیه‌هایی که به فیلم‌نامه‌نویسان ارائه می‌دهد، فزاینده‌ای به یاد ماندنی و فراوان درباره‌ی ماهیت فیلم مطرح می‌سازد. او پرده سینما را نه به منزله‌ی صحنه‌ی برای کنش، بلکه عمدتاً در حکم «رسانه‌ی برای واکنش» تعریف می‌کند. او می‌گوید «این فکر درست نیست که بازیگران بر پرده حرکت می‌کنند. در حالی که بیننده راحت بر چوکی‌اش می‌نشیند. و کاملاً بی‌خبر است که سوار بر جاروی دسته بلند و جادویی فیلم است، چنان‌که فیلم لحظه‌ی او را به سرعت وامی‌دارد تا به چهره‌ی بازیگر یا فردی دیگر یا شی‌بی خیره شود که بازیگر به آن می‌نگرد. لحظه‌ی بعد بسیار عقب‌تر کشانده می‌شود تا به کل مجموعه نگاه کند یا حتی پایه‌ی هواپیما، قطار یا اتومبیل [موتور] پیش برود.»

دوره‌ی ما، دوره‌ی متخصصین است. البته در دوره‌های قدیم‌تر، قبل از پیدایش ماشین، انسان‌ها در هنرها و مهارت‌های فنی گوناگون صاحب تخصص بودند؛ ولی هنرها و مهارت‌های فوق به خودی خود به کارکردهای تخصصی تقسیم نشده بودند. فردی که نقاشی می‌کرد، تمامی مراحل کار را خودش انجام می‌داد؛ او نقاش بود. در مورد آهنگر، کفاش و مجسمه‌ساز هم این وضعیت صدق می‌کرد؛ ولی ماشین همه این‌ها را تغییر داد. امروزه نقاش با موادی کار می‌کند که دیگران، صنعت‌گران یا تاجران تهیه کرده‌اند. پس از این مواد در کار نهایی خلق تصاویر استفاده می‌کند. هنرمند حکاک صفحات مسی را که قبلاً آماده شده، می‌خرد و به‌ندرت نشانی از خود بر آن می‌گذارد. مجسمه‌ساز الگوی خود را از گل رس می‌سازد و تکمیل قالب را به سایرین یا ماشین‌های مخصوص می‌سپارد. نویسنده دیگر با دست جملات زیبایش را نمی‌نویسد و نسخه‌های دست‌نویس را بین این و آن توزیع نمی‌کند. او برای نگارش متن خود از ماشین تایپ کمک می‌گیرد و آن را به ماشین‌های چاپ ناشر خود می‌سپارد. ما در زمینه علم و هنر دارای تخصص‌های ویژه شده‌ایم. در واقع عرصه‌های کار و مطالعه، تخصصی‌تر می‌شود، زیرا حیطه‌های فوق چنان گسترده شده‌اند که ذهنی مجرد نمی‌تواند آن‌ها را دربرگیرد. همگی ما، درست یا غلط متخصص شده‌ایم و طبعاً هنر جدیدی که از دستاوردهای ماشین است، باید تخصصی‌تر از سایر هنرها باشد؛ زیرا سینما به‌رحال شکلی هنری است، حال فرقی نمی‌کند که از این حیث به رسمیت پذیرفته شود یا خیر.

پس این شکل نوین هنری باید توسط افرادی کنترل

شود که تمام کارکردهای لازم را دارند. آن‌ها باید «فیلم‌ساز» باشند، ولی کارکردهای سینما چنان گسترده و پیچیده‌اند که نمی‌توان انتظار داشت انرژی خلاق یک فرد برای انجام آن‌ها کافی باشد. بدین ترتیب آن‌ها را به شکل مهارت‌های مجزا تفکیک می‌کنیم - فیلم‌نامه‌نویسی، کارگردانی، فیلم‌برداری، طراحی صحنه، چاپ اپتیکی (نوری)، جلوه‌های خاص دوربین، تدوین فیلم، ساختن موسیقی متن، ضبط، میکس و ضبط مجدد. به

همانا ساختن فیلم است. به هر صورت، آدم باید با هر ترفندی که شده، خود را به عنوان کارآموز در رشته‌ی خاص وارد کار کند و سعی‌اش این باشد که سایر تخصص‌ها را نیز بیاموزد. بدین حیث فرد شاید بتواند با مجهز شدن به تمام اطلاعات و ابزارهای مربوطه، در حیطه تخصصی خود فعالیت کند. فیلم‌نامه‌نویس باید در زمینه کارگردانی، تدوین و سایر کارکردهای جداگانه صاحب دانش بشود. بعد از آن است که تخیل



نویسنده: دادلی نیکولز
برگردان: علی عامری

می‌کند. فیلم‌نامه هرگز به خودی خود محصول نهایی نبوده و نیست. بلکه صرفاً یکی از مراحل در فرآیند فیلم‌سازی است، هرچند که اولین و مهم‌ترین مرحله باشد. شاید بگویید که نمایش‌نامه نیز محصول نهایی تئاتر نیست، با این حال نمایش‌نامه کلاً متکی بر واژه، ایده، شخصیت و کنش است که تماماً از طریق واژه‌ها انتقال می‌یابند و یک نمایش‌نامه‌نویس ماهر می‌تواند در ذهن خود مجموعه‌ی از بازی‌های فوق‌العاده را متصور شود. فیلم‌نامه در قیاس با نمایش‌نامه راه زیادی برای کامل شدن دارد؛ زیرا فیلم‌نامه‌نویس ماهر علاوه بر واژه‌ها دایماً به خود فیلم هم فکر می‌کند. فیلم‌نامه‌نویس باید در بطن وجودش فیلم‌ساز باشد و فیلم‌ساز کسی است که به فرآیند تولید فیلم می‌اندیشد و زنده‌گی و کار می‌کند. هدف نهایی این است: هشت یا ده هزار فوت (تقریباً ۲۵۰۰ تا ۳۳۰۰ متر) نگاتیو در کنار هم قرار می‌گیرند تا عاقبت توهم نوع و کیفیتی خاص را ایجاد کند. وقتی فیلم‌ساز، یا در این مورد فیلم‌نامه‌نویس شروع به سامان‌دهی تصورات مبهم خود می‌کند، در واقع همین توهم را پی می‌گیرد.

حقیقت آن است که فیلم مراحل متعددی از خلاقیت را فرا می‌گیرد. نخست یک رمان، داستان کوتاه یا فکری در ذهن فیلم‌نامه‌نویس دست‌مایه قرار می‌گیرد. نقطه عزیمت همین است. سپس فیلم‌نامه‌نویس طی بنای داستان در شکل فیلم‌نامه اولین گام را به سمت نگاتیو نهایی برمی‌دارد. این دست‌نویس اولیه ۲ یا ۳ بار مورد تجدیدنظر قرار می‌گیرد و هر با بیشتر با مقتضیات سینما متناسب می‌شود. اگر همه چیز بر وفق مراد باشد، کارگردانی که همان‌قدر به فیلم‌نامه مذکور علاقه دارد، کار را به‌دست می‌گیرد و افکار سینمایی خود را در مورد فیلم‌نامه طرح می‌کند. البته بسیاری از این موارد در فیلم‌نامه نمود نخواهد یافت، بلکه در نوشته‌های دیگری ثبت می‌شوند تا در زمان مناسب از آن‌ها استفاده شود.

عموماً هنگامی که تمام افکار درباره‌ی پرداخت سینمایی اثر کشف و متن نهایی آماده می‌شود، کار فیلم‌نامه‌نویس به پایان می‌رسد و روند تولید فیلم به کارگردان و سایر متخصصان سپرده می‌شود.

هالیوود عادت دارد که آثار داستانی را به

شکل‌های دیگری در بیاورد و نهایتاً به زبان فیلم ترجمه کند. به همین دلیل و دلایل دیگر، نویسنده‌گان با استعداد تشویق نمی‌شوند که مستقیماً فیلم‌نامه بنویسند. این موضوع جای تأسف دارد؛ زیرا فیلم‌نامه می‌تواند تبدیل به شکل جذاب و نوینی از ادبیات شود، البته اگر مدیران استودیوها آن‌قدر ذوق داشته باشند که بتوانند کیفیت ادبی را تشخیص دهند و از آن استقبال کنند. با وجود این فیلم‌نامه‌های خوب و صادقانه‌ی نوشته شده، می‌شود و خواهد شد. زیرا نویسندگان و کارگردان‌هایی که اهداف والایی دارند، سرسختانه به تلاش‌های خود ادامه می‌دهند



و استعداد او به نحوی مؤثر و ماهرانه در خدمت عرصه برگزیده او به کار می‌افتد. متأسفانه هیچ‌یک از ما آن‌چنان که باید کارآمد نیستیم. علت این است که هالیوود می‌خواهد هرچه زودتر فیلم‌ها را تمام و عرضه کند و چندان برایش مهم نیست که به هنرمندان فرصت بدهد تا به اوج توانایی خود برسند. در نتیجه همواره جایی برای کارکنان جدید و علاقه‌مند پیدا می‌شود. نویسنده بدون آن‌که حتی چیز زیادی راجع به فیلم‌سازی بداند، می‌تواند جایی برای خود دست‌وپا کند. اگر بخت و اقبال نادری داشته باشد، قادر است حتی با دانستن اندک چیزهایی راجع به فیلم‌سازی فوراً به شهرت برسد. هالیوود عادت دارد که آثار داستانی را به شکل‌های دیگری در بیاورد و نهایتاً به زبان فیلم ترجمه کند. به همین دلیل و دلایل دیگر، نویسندگان با استعداد تشویق نمی‌شوند که مستقیماً فیلم‌نامه بنویسند. این موضوع جای تأسف دارد؛ زیرا فیلم‌نامه می‌تواند تبدیل به شکل جذاب و نوینی از ادبیات شود، البته اگر مدیران استودیوها آن‌قدر ذوق داشته باشند که بتوانند کیفیت ادبی را تشخیص دهند و از آن استقبال کنند. با وجود این فیلم‌نامه‌های خوب و صادقانه‌ی نوشته شده، می‌شود و خواهد شد. زیرا نویسندگان و کارگردان‌هایی که اهداف والایی دارند، سرسختانه به تلاش‌های خود ادامه می‌دهند.



علاوه باید رویکرد به دیزالو (گدازش)، فید (محو تدریجی) و سایر تمهیدات برای انتقال تصاویر و تداوم آن‌ها را نیز اضافه کرد. لازمه کار در این حیطه گسترده از فعالیت، همکاری نزدیک و بسیار هماهنگ میان اعضا است تا بهترین نتیجه به دست آید. تأثیر این وضعیت در فیلم به منزله شکلی از هنر، بسیار تعیین‌کننده است و مانعی بر سر پیشرفت هنرمندان تک‌رویی به شمار می‌رود که می‌خواهند در عرصه سینما فعالیت کنند. نظام فیلم‌سازی دقیقاً شبیه به تولید کارخانه‌ی مدرن است. هر فردی مسوول کار با ماشین متفاوتی است و هرگز در کل روند آفرینش دخالت ندارد. چنین وضعیتی باعث می‌شود تا فردیت در سبک از بین برود، فردیتی که نشانه هرگونه شکل والای هنری است. در فرآیند پیچیده کار احساس فردی محو می‌شود. ذکر موارد فوق به این دلیل است که می‌خواهم گوشزد کنم که تنها یک راه برای غلبه بر این موانع وجود دارد و آن یادگیری و تسلط بر کل فرآیند تولید است. در واقع هنرمند در چارچوب نظام کارخانه‌ی باید استاد کار باشد. خلاصه آن‌که بایست در وهله اول فیلم‌ساز و سپس فیلم‌نامه‌نویس یا کارگردان یا هر چیز دیگری که می‌خواهد، باشد.

البته این وضعیت تناقضی در پی دارد: در نظام کنونی تولید فیلم که در شرکت‌های مان داریم، فرد نمی‌تواند قبل از آموختن فیلم‌سازی، به ساختن فیلم پردازد؛ و تنها راه برای آموختن فیلم‌سازی

وضعیت دیگری وجود دارد که کار را برای پذیرش فیلم‌نامه به منزله شکل ادبی مستقل دشوار

توجیه نادرست از یک تصمیم نادرست!

(نقدی بر «تشیویشی که هرگز به جا نیست» نوشته جلال نورانی)

کاوه جبران

در یادداشتی که دیروز در روزنامه ماندگار و از نشانی جناب جلال نورانی مشاور وزارت فرهنگ، انتشار یافت؛ توضیحاتی دیده می‌شود که آشکارا پاسخ دل‌نگرانی فرهنگیانیست که گویا در پیوند به فیصله اخیر شورای وزیران دارند. هرچند واکنش وزارت فرهنگ، به نوشته معینی زیر عنوان «فیصله شورای وزیران، غیرمنطقی و فیصله وزارت فرهنگ، غیرمنطقی‌تر!» ارایه شده است، اما استدلال‌های آقای نورانی نشان می‌دهد که این یادداشت، پاسخیست به همه آن‌هایی که با تحقق فرمان شورای وزیران مبنی بر عدم کاربرد واژه‌های ناآشنا و گویش‌های غیرمعیاری، مخالف‌اند.

جناب نورانی در آغاز مقاله خود می‌نگارد که: قبل از همه، باید بگویم که زبان دری همان زبانیست که در ایران، فارسی و در تاجیکستان، تاجیکی نامیده می‌شود و همان زبانیست که قرن‌ها پیش، دربارهای دهلی و ترکیه عثمانی به آن می‌نازیدند.

اما ایشان آگاهانه یا ناآگاهانه تا پایان نوشته‌شان از به کاربرد واژه پارسی پرهیز می‌کنند. ناآگاهانه به این دلیل که نمی‌دانند انتساب واژه دری به زبان پارسی دری در افغانستان، همانند زبان تاجیکی، یک امر سیاسی بوده و دری صفتی است به زبان پارسی. نمی‌دانند که استیلای صدساله سیاست قومی زبانی، دلیل جداسازی و نام‌گذاری جدید این زبان بوده است. نمی‌دانند وزارت فرهنگ که ایشان یکی از کارمندان بلندپایه آن می‌باشند، تا کنون این سیاست حقارت‌بار را مو به مو پیاده کرده است. نمی‌دانند که بر بنیاد مستندات تاریخی، این زبان باید پارسی دری خوانده شود، نه دری.

و آگاهانه به این دلیل که همه یادآوری‌های بالا را می‌دانند، اما در صف سیاست‌پیشه‌گان سودجو ایستاده و از ادامه چنین سیاستی پشتیبانی می‌کند. جناب نورانی دلیل اهمیت رعایت گویش‌های معیاری را، با یادآوری سیاست‌گذاری رادیوهای بی.بی.سی، صدای امریکا، SBS استرالیا و رادیوی فرانسه خاطر نشان می‌سازد و می‌گوید: اگر رعایت گویش‌ها مهم نبود، پس چرا این رسانه‌ها در نشرات‌شان آن را رعایت می‌کنند؟

اما پاسخ این است که آیا یک گمانه نادرست و غیرعلمی را یک گمانه نادرست و غیرعلمی دیگر می‌تواند توجیه کند؟! تردیدی نیست که یکی از دلایل نشرات این رسانه‌ها به سه گویش پارسی دری، مسأله فهم و عدم

فهم مخاطبان کشورهای افغانستان، ایران و تاجیکستان است، اما این رفتار هم یک امر سیاسی است و بنیاد علمی و زبان‌شناختی ندارد.

چنان‌که آقای نورانی استدلال کرده‌اند، بحث این نیست که گویش مردم پایتخت هر کشور، گویش رسمی همان کشور نیست. بل‌که دریافت آن است که گویش مردم کابل در پی دگرگونی‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... سی‌چهل سال اخیر، بیخی از میان رفته و اکنون، مردم نمونه کامل چنین گویشی را در اختیار ندارند تا فرمان حکومت را مطابق آن، به‌جا آورند. علاوه بر آن، بسته و گریخته نمونه‌های به‌جا مانده از آن گویش نشان می‌دهد که بخش زیادی از آن گفتارها غلط بوده است.

فاصله میان خواندن و نوشتن به طرز فاحشی وجود داشته که این روند، در کل به زبان صدمه زده بود. پس اکنون چه اصراری بر رعایت این گویش نادرست و پُر از اشتباه وجود دارد؟

دست‌کم برای جامعه فرهنگی این کشور روشن است که چنین حرکتی، به جز صدمه زدن به زبان پارسی دری، هدف دیگری ندارد. زیرا هنوز به گونه آگاهانه در کتاب‌های آموزشی معارف این کشور، غلط‌خوانی و غلط‌نویسی زبان پارسی دری ترویج می‌گردد و ریشه این آگاهی را باید تا سیاست‌های سراج‌الخبار، پشتو تولنه و اکادمی علوم فعلی دنبال کرد.

تجربه‌های گذشته، به جامعه پارسی‌زبان این کشور نشان داده که منظور حکومت از منع استفاده واژه‌های ناآشنا، به غیر از مخالفت با کاربرد واژه‌های سجه پارسی، چیز دیگری نیست. ورنه، چرا شورای وزیران یا مسوولان وزارت فرهنگ به گونه ویژه، از مبارزه با کاربرد بی‌رویه واژه‌های زبان انگلیسی یاد نمی‌کنند که از دهان و دماغ خودشان می‌بارد. بماند این‌که واژه‌های سیتی ستر، چکن سوپ، شاپینگ ستر، نیو پیشاوری چپلی کباب، سر و صورت شهر را پر کرده‌اند.

مشاور وزارت اطلاعات فرهنگ، شاهد حساسیت آقای مخدوم رهین نسبت به کاربرد واژه‌های بیگانه بوده و می‌گوید که: «بارها خودم شاهد بوده‌ام که هرگاه کسی حین صحبت با دکتر رهین، به زبان دری یا پشتو، یک کلمه انگلیسی را به کار برده، وی با خشم خروشیده و گفته است که این کلمه را در زبان خود داریم، چه ضرور است که انگلیسی آن را به کار می‌بری؟» گپ این‌جاست که اگر سخن بالا راست باشد، آقای رهین به

جای خروشیدن بر هر کسی، بهتر است یک بار به سایت خبرگزاری باخت سرری بزند و بعد بخروشد، چرا که پر است از تیرهای این چنینی: «ورکشاپ زیر نام بودجه به اساس برنامه در وزارت اطلاعات و فرهنگ برگزار شد». جناب نورانی در بخش دیگری از نوشته‌شان که بازهم میحث کاربرد واژه‌های ناآشناست، می‌نویسند که: «بهر است در زبان پشتوی ما به عوض زندان کلمه جیل را به‌کار نبرند و عوض هو، جی نگویند و به‌گونه افراطی، کلمات اوپریشان و هسپتال را به کار نبرند.» این خیلی درست است؛ اما بر همه‌گان روشن است که اگر یک پارسی‌زبان در افغانستان، هسپتال را بیمارستان، محکمه را دادگاه و قاضی را داور بخواند، به باور حکومت، واژه‌گان بیگانه را به کار برده است.

او بازهم استدلال می‌کند که: «اما این را باید قبول داشت که تعدادی از واژه‌هایی که در افغانستان کاربرد دارند، برای ایرانی‌ها و تاجیکستانی‌ها قابل درک نیستند و برعکس آن نیز صادق است؛ چنان‌که نان چاشت را در ایران، نهار و در تاجیکستان اوقات می‌گویند. ایرانی‌ها تمیز را به معنای پاک به کار می‌برند که نادرست است و دری‌زبانان افغان در عوض ستره می‌گویند و یا همان کلمه پاک را به کار می‌برند. کسی که در ایران نبوده، نمی‌داند که گلابی، سیب‌زمینی و گوجه‌فرنگی بالترتیب ناک، کچالو و بادنجان رومی است.»

جدای از این‌که یکی از معنای واژه تمیز، پاکیزه بودن نیز است، اکنون پرسشی پیش می‌آید که کدام رسانه پیوسته و آگاهانه واژه‌های نهار، گلابی، اوقات، سیب‌زمینی، گوجه‌فرنگی و... را به کار برده است که مردم آن را ندانسته‌اند؟ اگر هدف جناب نورانی این است که افرادی چنین واژه‌هایی را هنگام سخن گفتن و یا در نوشته‌یی به کار برده، ناشی از پدیده‌یی به نام مهاجرت است که هرگز یک امر آگاهانه نمی‌باشد.

بنابراین، آرزو آن است که از این‌پس این چنین از سیاست‌های ناروا و هدف‌مند حکومت پشتیبانی صورت نگیرد. آن‌چه را که آقای نورانی به‌نام وضاحت پیرامون فیصله شورای وزیران و وزارت فرهنگ نوشته است، چیزی جز یک توجیه نادرست نیست. دست‌کم از جناب جلال نورانی که عمری به زبان پارسی نوشته‌اند و حق بزرگی هم به گردن ادبیات و طنزنویسی این کشور دارند، توقع نمی‌رود که این‌گونه، سیاست‌های هدف‌مند ارگ و کارگزاران سودجویی چون آقای رهین را توجیه کند.

جنرال محمد ظاهر عظیمی، سخنگوی وزارت دفاع افغانستان اظهار داشت که مراسم برگزار نخواهد شد. مقام‌های ارتش امریکا اظهار داشتند که این مراسم به این دلیل لغو شده که آنها نتوانستند توافق با افغان‌ها را نهایی کنند.

یک سخنگوی ارتش امریکا در افغانستان اظهار داشت: ما همچنان به تلاش خود برای تعیین جزییات واگذاری زندان پروان به دولت افغانستان ادامه خواهیم داد.

وی عنوان داشت: امریکا همچنان متعهد به واگذاری این زندان و همچنین همه زندانیان افغان است.

هم اکنون این زندان دارای یک مدیر افغان است اما امریکایی‌ها این قدرت را دارند تا جلوی آزادی زندانیان را بگیرند. زندانیان تحت اختیار امریکایی‌ها حق محاکمه را ندارند چراکه امریکایی‌ها آنها را زندانیان بازداشت شده در جریان جنگ جاری تلقی می‌کنند.

صبح روز گذشته سازمان دهنده‌گان خطاب به خبرنگاران گفتند که مراسم امروز(دیروز) لغو شده است.

مقام‌های افغان از ارایه دلیل لغو این مراسم خودداری کردند.

زندان بگرام فردا به نیروهای...

در افغانستان را پس از پایان مأموریت در سال ۲۰۱۴ مشخص می‌کند، تحت الشعاع قرار داده است.

این در حالی است که حتی صبح جمعه نیز برخی از کارمندان وزارت دفاع افغانستان در حال سازماندهی نقل و انتقال مقام‌ها و خبرنگاران برای حضور آن‌ها در مراسم روز شنبه در زندان پروان در مجاورت پایگاه هوایی بگرام بودند.

زندان پروان حاوی افغان‌ها و همین‌طور برخی از خارجی‌هایی است که توسط نیروهای امریکایی دستگیر شده‌اند.

رهایی زندانیان صفوف...

عضو مجلس نماینده‌گان می‌گوید، ما دو نوع زندانی داریم: یکی زندانی‌هایی که در بند پاکستان هستند و سران طالبان اند و پس از آزادی به صفوف طالبان پیوستند. دوم زندانی‌هایی که در بگرام و پلچرخ به سر می‌برند و اکثریت آنان بدون این‌که جرم‌شان ثابت شود، در زندان به سر می‌برند، بنابراین شاید هدف رئیس‌جمهور چنین افرادی باشد.

این عضو مجلس تأکید کرد، ولی مسأله مهم این‌که از این افراد پس از آزادی باید یک ضمانت گرفته شود که به صفوف طالبان نخواهند پیوست.

به گفته آقای گیلانی، کسانی که در اثر بمباران نیروهای هوایی اعضای خانواده خود را از دست می‌دهند، به صفوف طالبان می‌پیوندند و انتحار را انجام می‌دهند، پس برای حل این مشکل باید جلو بمباران بدون موجب نیروهای ایتلاف نیز گرفته شود.

مسئولیت زندان بگرام تحت نظارت امریکایی‌ها در منطقه بگرام در ولایت پروان افغانستان بیشتر طی مراسم رسمی به دولت افغانستان واگذار شده بود، اما نکه‌داری ۶۰۰ زندانی افغان و پنجاه زندانی از کشورهای دیگر همچنان به عهده امریکایی‌ها باقی مانده بود.

نمی‌توانیم پرونده افغانستان...

در دو هفته گذشته واحد تحت رهبری وی دو حمله انتحاری را ختنی و ۷۶ تن را دستگیر کردند.

با این حال، سفیر امریکا در افغانستان به این نکته تأکید کرد که در بسیاری از بخش‌های افغانستان مردم بدون هیچ خطری زنده‌گی خودشان را سپری می‌کنند.

وی افزود: هیچ جنگی بدون یک راه حل سیاسی حل‌وفصل نمی‌شود و در جنگ افغانستان نیز مذاکره با طالبان باید صورت گیرد.

چاک هاگل در اولین سفر خارجی خود به افغانستان به عنوان وزیر دفاع امریکا اعلام کرد که به افغانستان می‌رود تا این موضوع را بهتر درک کند که امریکا دقیقاً در این کشور چه می‌کند.

سفیر امریکا در افغانستان همچنین گفت: نمی‌توانم در خصوص چشم‌انداز این مذاکرات قضاوت داشته باشم. این روند کاملاً به طالبان بستگی دارد. آن‌ها تصمیماتی دارند که باید در خصوص دیدگاهشان در خصوص نقشی که در آینده در افغانستان به دست می‌گیرند، اتخاذ کنند.

این مقام مسوول امریکایی افزود: یکی از این تصمیمات حضور آن‌ها در روند صلح با دولت افغانستان است. گزینه دیگر تداوم روند خشونت و درگیری است.

سفیر امریکا در کابل گفت: ما هنوز نمی‌توانیم پرونده افغانستان را مختومه اعلام کنیم و بگوییم که همه چیز در این کشور به خوبی انجام شده است.

۱۸ تن در حملات انتحاری...

داشت، به خبرنگاران گفت که مهاجم سوار بایسکل بود. یک سرباز که آغشته به خون بود، گفت که او پنج نفر را کمک کرده است تا از محل حمله دور شوند.

پس از انفجار شدید، صدای تیراندازی در سراسر شهر کابل به گوش رسید. این در حالی است که به خبرنگاران همراه چاک هیگل، وزیر دفاع امریکا گفته شده است که هیچ‌گونه خطری او را تهدید نمی‌کند. یک سخنگوی وزارت دفاع ایالات متحده گفت: «وزیر دفاع در جلسه‌یی بود که این حادثه رخ داد. جلسه بدون کدام خللی ادامه پیدا کرد.»

در همین حال، «نیروی بین‌المللی کمک به امنیت» (ایساف) در بیانیه‌یی وقوع این حمله را تأیید کرد و تیراندازی را «خفیف» توصیف کرد.

هیگل در حالی به کابل سفر کرده است که نیروهای ائتلاف بین‌المللی آماده می‌شوند تا پایان سال آینده افغانستان را ترک کنند و تمام مسوولیت امنیتی را به نیروهای داخلی این کشور بسپارند.

وزیر دفاع امریکا پیش از رسیدن به کابل، شام روز جمعه به خبرنگاران گفت: «در حالی که ما برای انتقال مسوولیت‌ها آماده می‌شویم، ما بسیار مسایل و چالش‌های بزرگ پیش رو داریم». او همچنان افزود: «این انتقال باید درست انجام شود. این انتقال باید با همکاری افغان‌ها و نیروهای ایتلاف ما صورت بگیرد.»

چاک هیگل که ده روز قبل به عنوان وزیر دفاع ایالات متحده سوگند یاد کرد، گفت: «ما هنوز ۶۶ هزار سرباز داریم که منطقه جنگی به سر می‌برند. واقعیت این است». او توضیح داد: «من نمی‌خواهم هیچ چیزی را کوچک کنم یا به حاشیه برانم، زیرا ما ممکن است به مرحله جدیدی وارد شویم. ما هنوز در افغانستان در حال جنگ هستیم.»

در حال حاضر، حدود یک صد هزار سرباز بین‌المللی در افغانستان به سر می‌برند. قرار است تمام نیروهای جنگی تا پایان سال ۲۰۱۴ افغانستان را ترک کنند.

پروسه انتخابات هیأت اداری مجلس بی نتیجه پایان یافت



روز شنبه نصاب مجلس نماینده‌گان به دوصدو بیست یک نفر می‌رسد، که یک نامزد با بدست آوردن یک صد و یازده رای می‌توانست عضویت هیات اداری را حاصل نماید. برای احراز کرسی‌های معاون اول میرویس یاسینی و حاجی ظاهر قدیر کاندیدا بودند، میرویس یاسینی با بدست آوردن ۹۹ رای و حاجی ظاهر قدیر با بدست آوردن ۹۰ رای نتوانستند این کرسی را از آن خود سازند.

نعمت الله غفاری با بدست آوردن، ۷۰ رای و امان الله پیمان

با بدست آوردن ۶۱ رای نیز موفق به بدست آوردن کرسی معاونیت دوم مجلس نماینده‌گان نشدند.

به همین ترتیب، عبدالستار خواصی با بدست آوردن یک صد و یک رای و عبدالقادر قلاتوال با بدست آوردن هشتاد رای از جمله کسانی بودند که نتوانستند کرسی منشی را به دست آورند.

رئیس مجلس نماینده‌گان گفت: بر اساس قانون برای احراز پست‌های معاون اول و منشی باید افراد جدید خود را کاندیدا نمایند.

اما به گفته وی، در بخش پست‌های معاون دوم و نایب منشی بین کاندیدانی که آرای بلند دارند انتخابات برای بار دوم صورت می‌گیرد.

امروز یک بار دیگر انتخابات هیأت اداری مجلس برگزار خواهد شد.

شورای ملی افغانستان پس از یک و نیم ماه رخصتی زمستانی، چهارشنبه گذشته با سخنرانی رئیس‌جمهور کرسی سال سوم تقنینی دوره شانزدهم اش را آغاز کرد.

سال گذشته نیز انتخاب هیات اداری با مشکلات فراوان روبرو گردیده بود تا جای که این انتخابات ظرف یک و نیم ماه هم به نتیجه نرسید.

اما رئیس مجلس نماینده‌گان می‌گوید که این بار به زودی هیات اداری را تعیین می‌کنند.

اجماع ملی، انتخابات...

داشته باشند، و کار راه اندازی اجماع ملی را به عهده گیرند. برای کمیسیون ویژه تمامی زمینه‌ها فراهم گردد تا در روشنایی منافع ملی و با در نظر داشت وحدت و مشارکت همه‌گانی، کار راه اندازی اجماع ملی را به پیش برند. لازم به تذکر است که اجماع ملی هرگز دنبال بیرون کشیدن شخصی برای نامزدی در پست ریاست‌جمهوری نیست، بلکه زمینه‌ها را برای تدویر یک انتخابات سالم و عاری از تقلب، مهیا می‌سازد و زمینه‌ها را برای حکومتی که در انتخابات سال ۲۰۱۴، برگزیده می‌شود، فراهم می‌سازد و نحوه مدیریت کشور را تسهیل می‌بخشد.

آجندا:

آجندهای اجماع ملی می‌تواند روی این مسایل مهم و سرنوشت‌ساز کشور استوار باشد:

- برگزاری حتمی، شفاف و علانۀ انتخابات ریاست‌جمهوری
- چه‌گونه‌گی تغییر مکانیزم‌های انتخابات
- روند مذاکره و برگشت مسالمت‌آمیز مخالفین مسلح دولت

- مدیریت کشور پس از سال ۲۰۱۴ میلادی

- چه‌گونه‌گی حضور نیروهای خارجی باقی‌مانده پس از سال ۲۰۱۴

وظایف:

مهم‌ترین گفتمان در اجماع ملی را انتخابات تشکیل می‌دهد. اجماع ملی روی برگزاری حتمی انتخابات در کنار نحوه شفافیت، همه‌شمول و عادلانه بودن، بحث و غور می‌نماید و نتایج کار خویش را در این باب طی یک سند رسمی به حکومت افغانستان، غرض عملی‌سازی آن می‌سپارد و حکومت موظف است در روشنایی آن، زمینه را برای یک انتخابات سالم، شفاف و علانۀ فراهم سازد.

- تغییر و دگرگونی مکانیزم‌های انتخابات نیز بحث دیگری است که در مباحث تخنیکی اجماع ملی روی آن توجه لازم شده و تغییرات آن نیز در یک سند رسمی برای تعمیم به حکومت افغانستان سپرده می‌شود.

- مذاکره با گروه‌های مسلح مخالف دولت که از مدت‌ها جریان دارد، در اجماع ملی مورد بحث قرار می‌گیرد و در صورت حضور نماینده‌گان اپوزیسیون مسلح در این اجماع، روی بازگشت مسالمت‌آمیز آن‌ها از طریق یک مکانیزم ملی و شرکت‌شان در انتخابات ریاست‌جمهوری بحث صورت می‌گیرد.

- هموار و عملی‌سازی زمینه‌ها برای مشارکت ملی اقوام در تطابق با اصل شعاع حضوری آنان، مهم‌ترین بحثی است که در این اجماع روی آن بحث صورت می‌گیرد. این امر سبب تقویت مشخصه‌های ملت شدن می‌گردد و بستر وحدت اقوام را هموار می‌سازد.

- خروج نیروهای بین‌المللی و مدیریت کشور پس از سال ۲۰۱۴ نیز از عمده‌ترین مباحث در اجماع ملی است که به‌صورت تخصصی روی آن بحث و تبادل فکر می‌شود.

- اجماع ملی، مجمع تخصصی آسیب‌شناس و تحلیل‌گر را در سطح افراد خبیر و متخصص بدون در نظر داشت تعلقات تعیین می‌کند تا این مجمع، دریافت‌های خود از علل بحران و شکننده‌گی اوضاع کشور، چه‌گونه‌گی آسیب دیدن ما، نحوه جلوگیری از آسیب و سایر مسایل مهم ملی را تدوین کند و با ارایه راه‌حل‌های موثر، سند رسمی رفع بحران و نقایص را در اختیار حکومت افغانستان قرار دهد تا مورد استفاده قرار بگیرد.

- اجماع ملی یک طرح جامع را برای حکومت افغانستان تدوین می‌کند که ذریعۀ آن، حکومت‌های بعدی مکلف به ایجاد اداره سالم عاری از فساد و همین‌گونه گماردن کادرهای ورزیده از اقوام مختلف و مناطق مختلف، با حفظ مشارکت واقعی، عدالت اجتماعی و شعاع حضوری اقوام باشد. گزینش افراد ضعیف و ناتوان از میان اقوام توسط حکومت بر علاوه آن‌که یک کار نمادین است، سبب عقب‌مانی کشور می‌شود و نیز عامل آزرده‌گی اقوام می‌گردد. بنابراین حکومت‌های بعدی مکلف شوند که در مطابقت با اصل مشارکت ملی واقعی، بر بنیاد حفظ شایسته‌گی و تخصص در گمارش افراد از میان طبقات در مطابقت با شعاع حضوری اقوام، اقدام لازم نمایند.

- نقش کشورهای همسایه، منطقه و کشورهای بزرگ جهان بی‌تردید قابل دقت و تأمل است. ایجاد مدیریت سالم در روابط خارجی، یکی از موثرترین راه‌های حفظ مناسبات حسنه است.

- مجموعه اجماع ملی افغانستان، از همه کشورهای جهان به‌خصوص همسایه‌گان و قدرت‌های جهان تقاضا نماید تا به تصمیم ملت افغانستان که در این اجماع به فیصله می‌رسد، احترام گزاریده و در حمایت نظام سیاسی، همکاری همه‌جانبه نمایند.

- زمینه برای گزینش دو قوه قضاییه و مقننه در کنار قوه اجراییه طوری مساعد گردد که با تکیه بر اصل مشارکت ملی، با رعایت احکام قانون، شخصیت‌های صادق، متعهد و کارآ برگزیده شوند تا عملکرد آن‌ها در آینده برای مردم افغانستان قابل قبول و مفید باشد.

- برای رفع نگرانی‌ها، ایجاد مصونیت قانونی و حقوقی و

هم‌چنین از لحاظ تفکر ملی و از باب اعزاز و حرمت و به‌جاآوری رسوم ملی‌مان، شورای عالی رهبری با حضور رییس‌جمهور، معاونین پیشین و رهبران معظم جهادی تشکیل شود. این شورا در تمامی تصمیم‌گیری‌های ملی نقش مشورتی داشته و در کنار دولت آینده، برای پیشرفت و سعادت افغانستان، به عنوان یک مرجع مشورتی، پذیرفته شود.

مبحث دوم:

۲- انتخابات

با رویکرد به نص صریح قانون اساسی کشور و رعایت آن در باب برگزاری انتخابات، چاره‌ی جز رفتن به سوی انتخابات وجود ندارد. اما امید مردم به برگزاری انتخابات شفاف با تمثیل واقعی اراده آنان است. از دید من، عمده‌ترین چالش‌های انتخابات پیش رو، شامل نکات آتی است:

- امنیت مهم‌ترین و بنیادی‌ترین اصل در برگزاری انتخابات شمرده می‌شود. با آن‌که حکومت مکلف به تأمین امنیت انتخابات است، الزاماً باید از دغدغه‌های امنیتی انتخابات، مردم را اطمینان دهد. امنیت در کنار دیگر محاسن در این روند، نقش نظارتی را نیز افزایش می‌دهد.

- کارت‌های رأی‌دهی قبلی به علاوه آن‌که یک وسیله فوق‌العاده جدی در خدشه‌دار کردن انتخابات شمرده می‌شود، که عامل بزرگی نیز در تقلب محسوب می‌گردد.

- بی‌برون‌رفت از این معضل، چاپ کارت رأی‌دهی جدید و یا هم ماشینی ساختن سیستم‌های انتخابات، در صورت داشتن توانایی حکومت، یک امر لازمی است.

- پایین بودن سطح آگاهی مردم، هم در مرحله دریافت کارت رأی‌دهی و همین‌گونه هنگام شرکت در انتخابات، از چالش‌های دیگر در زمینه انتخابات است که نیازمند افزایش میزان آگاهی مردم از طریق برنامه‌های روشن‌گرانه رسانه‌ها، مساجد، بزرگان قومی و شخصیت‌های معتبر اجتماعی می‌باشد.

- رعایت نکردن تعادل در حوزه‌های انتخاباتی برای گذاشتن صندوق‌های رأی‌دهی، از چالش‌های دیگری است که با ذکر دلایل امنیتی مطرح می‌گردد، و این امر یک اصل بزرگ انتخابات را که همانا همه‌شمول بودن آن است، صدمه می‌رساند. انتخابات باید همه‌شمول و عمومی باشد.

- تعدد بیش از حد نامزدان پست ریاست‌جمهوری، سبب سردرگمی مردم می‌شود. این کار به‌دلیل نبود یک مکانیزم علمی و عملی برای تعیین مواصفات نامزدهاست که اجماع ملی برای رفع آن تصمیم مشخص خواهد گرفت.

مبحث سوم

در این مبحث با تکیه بر چند مشخصه اساسی ملی، به بازنگری و اصلاح آن به‌هدف تقویت نظام و ایجاد بسترهای مناسب همکاری مردم با حکومت، عطف توجه شده است.

قهرمان‌پروری:

مجاهدین به عنوان فاتحان این کشور، هرگز آن‌چنان که باید، مورد حرمت و تقدیر قرار نگرفتند، و این امر یکی از اسباب دوری مردم و حکومت را تشکیل می‌دهد. برای ارج‌گزاری به کارنامه‌های مجاهدین به عنوان قهرمانان و غازیان این کشور، تدوین یک برنامه دایمی از سوی اجماع ملی، یک امر خیر و نیک به شمار می‌رود. در کنار این، توجه به فرزندان مجاهدین و خانواده‌های آن‌ها نیز باید از دستور کار بیرون نرود.

سیاست خارجی:

افغانستان در حالی که از حمایت گسترده و همیاری‌های جامعه جهانی برخوردار است، اما هنوز از یک سیاست روشن و شفاف که سازنده سیاست خارجی کشور باشد، بهره‌مند نشده است.

سیاست خارجی افغانستان باید استوار بر اصل منافع ملی کشور، حفظ مناسبات نیک و حسنه با کشورهای همسایه، منطقه و کشورهای بزرگ جهان، باشد. رعایت حسن هم‌جواری، منافع متقابل، همکاری‌های منطقه‌یی و کمک‌های بشری، هرگز نباید در محور عواطف بشری، آسیب‌پذیر باشد، بلکه متکی به خردگرایی سیاسی و حفظ منفعت عمومی کشور باشد. تکیه بر سیاست‌های نوسانی و متزلزل، نه تنها عامل شکننده‌گی حکومت و کشور ما می‌گردد، که ما را با آسیب‌های تاریخی نیز مواجه می‌سازد. بازنگری در سیاست خارجی کشور متکی به ایجاد روابط گسترده و باقاعده با کشورهای همسایه، منطقه و جهان، از نیازهای سیاست روز است. سیاست خارجی کشور، بر اساس اسناد و توافقات موجود، به گونه‌یی عیار گردد که کشورهای دوست را برای حفاظت از افغانستان در برابر خطرات احتمالی، ملزم به همکاری نماید.

دموکراسی:

دموکراسی مهم‌ترین نیاز جامعه ماست. بدون دموکراسی و احترام به رأی مردم، نمی‌توان ادعای یک جامعه دموکراتیک را داشت. راه رسیدن ما به اهداف بزرگ، با دموکراسی مهیا می‌گردد.

حمایت وسیع از نهادهای جامعه مدنی، نقش مردم را در روند حکومت‌داری افزایش و قوت می‌بخشد. دولت افغانستان در کنار حمایت از جامعه مدنی، باید

به ارزش‌های دموکراتیک جایگاه ویژه قابل شده و در امر بالنده‌گی دموکراسی به عنوان یک ارزش تازه در این کشور، سعی بیشتر نماید. تمثیل اراده مردم و هموارسازی راه برای افاده واقعیت این تمثیل، نمادی از دموکراسی است که دولت مکلف به بسترسازی آن می‌باشد. نقش مردم در حکومت‌داری نه تنها روحیه دموکراسی را قوت می‌بخشد، که سلامت و بقای حکومت را نیز در قبال دارد.

گزینش مسولان:

به منظور ایجاد زمینه پاسخ‌گویی حکومت به مردم، گزینش مسولان بلند حکومتی در ولایات، شهرها و شهرستان‌ها از طریق آرای مردم، یک روند دموکراتیک و موثر به شمار می‌رود. این کار باعث رشد بلوغ سیاسی مردم و تمثیل اراده آنان در سرنوشت مناطق‌شان می‌شود. برای ایجاد حس مسولیت‌پذیری در میان مردم و مسولان حکومت و در کنار آن، افزایش نقش نظارتی مردم بر کارکرد حکومت، باید والیان، ولسوالان و شهردارها از طریق رأی مردم برگزیده شوند تا در برابر مردم پاسخ‌گو باشند.

فقر:

فقر بزرگ‌ترین عامل عقب‌مانی و بهانه‌یی برای عطلت شمرده می‌شود. باور من این است که افغانستان سرزمین فقیر نیست، بلکه تلاش شده است که این کشور، فقیر نگه داشته شود. مبارزه با فقر و در کنار آن، توجه به استخراج معادن به صورت فنی و با حفظ منافع ملی کشور، نه تنها ما را از دست‌نگری به کمک‌های جهان نجات می‌دهد، که سبب رشد اقتصادی کشور خواهد گردید.

افغانستان با وجود این‌که در محراق توجه جامعه جهانی بعد از سال ۲۰۰۱ قرار گرفت و بیلیون‌ها دلار به این کشور سرازیر شد، اما فقر به صورت گسترده در کشور باقی ماند. آمارهای رسمی ارزیابی خطرات و آسیب‌پذیری احصاییه مرکزی نشان می‌دهد که میزان عمومی فقر در افغانستان ۳۶ درصد می‌باشد. این بدین مفهوم است که بیشتر از ۹ میلیون شهروند افغانستان، قادر به رفع نیازمندی‌های اولیه و اساسی‌شان نیستند. و هم‌چنین تعداد زیادی از شهروندان وجود دارند که در معرض خطر دچار شدن به فقر می‌باشند.

برای برون‌رفت از معضل بزرگ فقر، حکومت آینده باید یک طرح جامع اقتصادی برای حمایت وسیع و گسترده از تولیدات داخلی، سکتور خصوصی و به ویژه صنایع خرد و متوسط، تدوین و عملی سازد.

عدالت:

بی‌عدالتی بزرگ‌ترین عامل شکننده‌گی ملت‌ها و دولت‌ها شمرده می‌شود. در عکس این پدیده، عدالت نهفته است که هم از مبنای شرعی برخوردار است و هم نیاز جوامع بشری می‌باشد. عدالت تأمین‌کننده ثبات سیاسی، اعتماد و پیشرفت است. ما زمانی می‌توانیم به منافع ملی برسیم، که عدالت را مبنای کار خویش قرار دهیم.

امنیت:

هم‌زمان با خروج نیروهای خارجی از کشور، ما نیازمند ملی‌سازی روند امنیت هستیم. این مأمول زمانی برآورده خواهد شد که نیروهای دفاعی کشور متناسب با تهدیدها و اوضاع و احوال داخلی و منطقه‌یی عیار، تجهیز و تسلیح گردند. هم‌زمان با این (کار تا مرحله کامل تجهیز نیروهای دفاعی و امنیتی کشور) تشکیل یک نیروی ویژه دفاعی که از میان افراد شجاع و صادق کشور برگزیده شوند، ضروری است و این نیروی ویژه تا زمان تجهیز کامل نیروهای رسمی، در کنار آن‌ها در تأمین امنیت و دفاع از تمامیت ارضی کشور، نقش فعال خواهند داشت.

توجه به نیروهای هوایی کشور در کنار تجهیز نسبی آنان برای تدافع هوایی، یکی از نیازهای جدی کشور ماست. ایجاد، تجهیز و مدرنیزه‌سازی نیروی هوایی کشور، با رسیده‌گی لازم به امور تخنیکی و تدافعی آن، ما را در امر دفاع از تمامیت ارضی کشور، قدرت‌مند می‌سازد، که این امر باید در دستور کار قرار گیرد.

حضور نیرو های خارجی در افغانستان، دارای تأثیرات بالقوه بوده است. در حالی که مردم ما از کمک‌های جامعه جهانی سپاس‌گزار اند، بقای نیروهای خارجی باید در چهارچوب قانونی آن، در مطابقت با منافع ملی کشور، تنظیم شود و دولت افغانستان، صلاحیت کامل در زمان‌بندی خروج نیرو های خارجی، تعداد و سایر امور آن‌ها را داشته باشد.

صحت:

سکتور صحت از مهم‌ترین نیازمندی‌های مردم محسوب می‌شود. توسعه و مدرنیزه‌سازی صحت در کشور در کنار آن‌که یک نیاز جدی است، الزاماً از مکلفیت‌های حکومت نیز شمرده می‌شود. علاوه بر توسعه خدمات صحی رایگان، توجه به افزایش میزان دسترسی مردم به خدمات صحی نیز یک امر جدی می‌باشد.

آموزش و پرورش:

دانش، عامل تکامل و پویایی جوامع بشری است. توجه به دانش در سطح ابتدایی تا عالی، امر بهی‌خواهانه است. بدون دانش و فرآورده‌های امروزی دنیای معاصر، تکنالوژی نو و دانش نوین، نمی‌شود راه را به سوی سرمنزل مقصود باز کرد. ترویج سواد در تمام سطوح

از مکلفیت‌های حکومت است و این روند سبب رشد و بالنده‌گی بیشتر می‌گردد. سکتور معارف نیازمند بازنگری لازم و فنی در مطابقت با معیارهای جهانی است. در کنار این‌ها، همه‌گانی‌سازی فراگیری دانش از سطح ابتدایی تا متوسطه، باید اجباری باشد. افزایش معاش، تخصصی‌سازی معارف، توجه به ارتقای ظرفیت کادری، دادن مسکن و ایجاد زمینه‌های رفاهی برای اهل معارف، از برنامه‌های اساسی برای رشد معارف است که باید در دستور کار قرار داشته باشد.

تعلیم و تربیه، بخش اساسی زنده‌گی شهروندان یک جامعه را تشکیل داده و راه را به سوی فرصت‌ها، به‌دست آوردن موقعیت‌های شغلی و مشارکت در زنده‌گی اقتصادی فراهم می‌سازد. چون قانون و برنامه‌های آموزشی در نظام فعلی آموزشی، غیرضروری و دست‌وپاگیر است، باید تعدیلات فوری صورت گیرد. نظام آموزشی افغانستان باید اجباری و همه‌گانی شود، نابرابری‌ها در جامعه رفع گردد، تسهیلات برای دست‌رسی به مکاتب، دانشگاه‌ها و بورسیه‌های تحصیلی، عادلانه تنظیم گردد، و نیز در کیفیت مطالب کتب درسی تجدید نظر جدی صورت گیرد. به این منظور، موضوعات درسی طوری برنامه‌ریزی شود که اطفال از همان ابتدای زنده‌گی؛ به تحلیل، تجزیه و ارزیابی مسایلی در سطح خودشان دست‌رسی پیدا نمایند، و دانش‌آموزانی که از مکاتب فارغ می‌شوند، آزادی عمل بیشتری در انتخاب رشته‌های مورد علاقه خویش داشته باشند.

شهدا و معلولان:

شهدا و معلولان به‌دلیل سهم ارزنده‌شان در مبارزات کشور، حق بزرگی بر دولت و ملت دارند. توجه به خانواده‌های شهدا و معلولان در کنار آن‌که یک وظیفه شرعی است، حق مدنی آنان نیز محسوب می‌گردد. دست‌یابی به یک راهکار کلان منطقی و عملی برای این قشر، باید در صدر کار حکومت قرار داشته باشد. در کنار این‌ها، توجه و رسیده‌گی لازم به فرزندان شهدا و معلولان، فراهم‌آوری زمینه‌های تعلیم و تحصیل برای آنان و دادن سرپناه به خانواده‌های شهدا و معلولان، از مهم‌ترین برنامه‌هایی است که باید حکومت به آن توجه جدی نماید.

مواد مخدر:

عواید ناشی از کشت، قاچاق و ترافیک مواد مخدر به‌دست باندهایی می‌رسد که نظام، امنیت و فضای عمومی را سیوتاژ می‌کنند. ما در حال حاضر، با این مافیا به صورت جدی درگیر هستیم. این پدیده نه تنها سبب بدنامی کشور و ایجاد خطرات جدی برای صحت هموطنان ما می‌شود، که صحت و امنیت کشورهای همسایه را نیز با خطر مواجه کرده است. مبارزه جدی و عملی با این پدیده ما را از بدنامی و شهرت زشت آن نجات می‌دهد. در کنار این‌ها، این پدیده شوم نه تنها از دیدگاه اسلام حرام است، که مبارزه با این پدیده، یک وظیفه شرعی و انسانی‌ست تا این کشور از این هیولای بزرگ نجات یابد.

زنان:

زنان همان‌گونه که نیمی از پیکر جامعه را تشکیل می‌دهند، نقش ارزنده‌یی در روند رشد و شکوفایی جامعه و در کنار آن، نقش بارزی در حکومت‌داری دارند. توجه به این قشر، باید یک امر منطقی و عملی باشد، نه یک تفکر نمادین و عاطفی. مبارزه با تمام پدیده‌های شومی که زمینه زن‌ستیزی محسوب می‌گردند، باید در دستور کار باشد و در کنار آن، محو خشونت علیه زنان نیز به یک فرهنگ ملی مبدل گردد. در پهلوی این‌ها، همه‌گانی‌سازی تعلیمات و تحصیلات برای بانوان با راه‌اندازی برنامه‌های موثر از سوی حکومت، میزان حضور زنان را در قدرت سیاسی و اداره خدمات ملکی افزایش می‌دهد و در جنب این‌ها، توجه لازم به بعد اقتصادی برای خودکفایی زنان نیز باید شامل برنامه‌های کلان ملی کشور باشد تا دیگر زنان این کشور نه به عنوان جنس دوم و ضعیف، بلکه به عنوان انسان دارای حقوق شهروندی، مورد حرمت قرار گیرند.

جوانان:

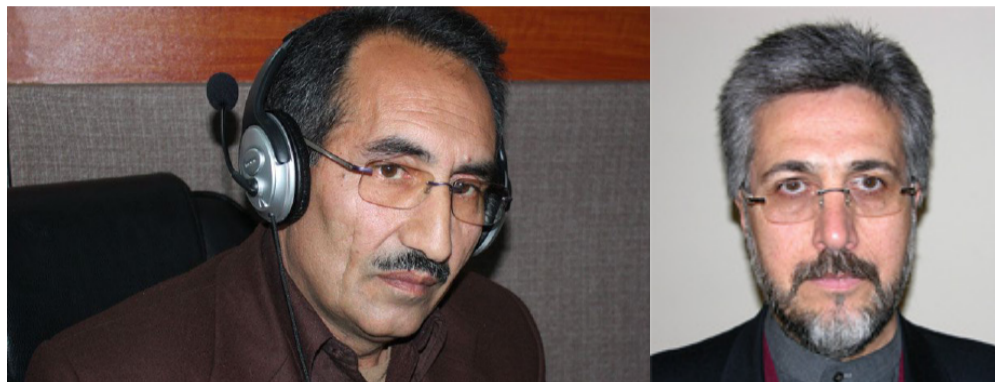
جوانان عناصر سازنده جوامع بشری و عامل پویایی و پایایی کشورها اند. استفاده سالم از نیروی جوانان به علاوه آن‌که عامل پیشرفت و تکامل جامعه محسوب می‌شود، سبب رشد و بالنده‌گی فکری آنان نیز می‌گردد. فراهم‌آوری زمینه‌های بهتر و رایگان آموزش‌های ابتدایی و عالی، توجه به رشد ذهنی و باروری فکری و جسمی آنان و هم‌چنان حمایت از برنامه‌هایی که سبب تقویت این طیف می‌شود، نیازمند یک مدیریت قوی و ارزش‌شناس است.

آن‌چه برخواندید، بی‌تردید فشرده‌یی از راهکارهایی است که منافع ملی و ارزش‌های عمومی کشور ما را مصونیت می‌بخشد. ما با توکل به خداوند متعال و پیروی از دین مبین اسلام، با حفظ اصل تعادل و روش‌های میانه و با بهره‌وری از پیشرفت‌های دنیای امروز، به آرزوهای بزرگ‌مان دست خواهیم یافت. بدون شک، اراده قوی، گام‌های هدف‌مند و سالم، توجه و باور به اراده مردم، راه ما را به مقصد، کوتاه می‌سازد.

Mandegar

رهایی زندانیان صفوف دشمن را تقویت می کند

ناجیه نوری



رهایی زندانیان طالبان از زندانهای پاکستان و زندانهای داخل کشور، خواسته و ناخواسته صفوف دشمن را تقویت می کند.

شماری از آگاهان نظامی و نماینده گان مجلس با بیان این مطلب می گویند که برخی زندانیان به دلیل فساد در دستگاه عدلی و قضایی حکومت و برخی دیگر به دلیل بازداشت خودسرانه نیروهای خارجی، در زندانهای کشور زندانی هستند.

رئیس جمهور کززی هفته گذشته در روز گشایش پارلمان گفته بود که شمار زیادی از افراد بی گناه در زندان بگرام نگهداری می شوند و من بعد از انتقال مسوولیت این زندان به افغانها، حکم آزادی این زندانیان را صادر خواهم کرد.

عبدالهادی خالد آگاه مسایل نظامی می گوید، جرم اکثریت افرادی که در زندان بگرام و یا سایر زندانها به سر می برند، به دو دلیل مشخص، روشن نیست: نخست این که چون سیستم قضایی افغانستان فاسد

وی همچنان گفت، اما هدف کززی از آزاد سازی زندانیان فراهم سازی زمینه گفت و گو و مذاکره با مخالفان مسلح دولت است.

به گفته جنرال خالد، مسأله مهم برای زندانیان، زنده گی پس از زندان است و کسانی که از بند رها می شوند، مجبور هستند تا به روستاهای خود برگردند، زیرا

است، بنابراین عدالت به شکل درست و دقیق آن تطبیق نمی شود و شماری از افراد بی گناه محکوم می شوند.

دلیل دوم دستگیری شماری از افراد بی گناه توسط نیروهای ایتلاف براساس گزارشهای غلط است، بنابراین شماری از اشخاص بی گناه در کنار افراد مجرم زندانی هستند.

خانواده های شان در آنجا زنده گی می کند؛ اما نکته مهم این است که اکثریت این اشخاص در مناطق نا امن و روستاهایی که تحت تسلط طالبان است، زنده گی می کنند.

وی تصریح کرد: «زمانی که یک زندانی آزاد می شود و به روستای خود که در منطقه تحت تسلط طالبان است بر می گردد، از سوی طالبان تهدید می شود که با ما استی یا مخالف ما و یقیناً این شخص نمی تواند بگوید که مخالف شما، بنابراین سنگر دشمن ناخواسته تقویت می شود.»

این آگاه نظامی اضافه کرد، حتی اگر این افراد خود نخواهند که وارد جنگ شوند، وادار به جنگ می شوند، زیرا مناطق شان تحت تسلط طالبان است و ناخواسته در خدمت دشمن قرار می گیرند، بنابراین قبل از آزاد سازی این افراد باید برنامه یی طرح ریزی شود تا آنان از پیوستن به دشمن در امان بمانند.

به باور او، تنها راه حل شاید این باشد که حکومت در کنار این که عدالت را تطبیق می کند، باید از این افراد حمایت نیز کند، در غیر آن صفوف دشمن را تقویت خواهند کرد.

در این حال، سید اسحاق گیلانی... ادامه صفحه ۶

کنفرانس اجندای ملی ملی

ریفورم سیاسی و ایجاد صلح پایدار در افغانستان

با در نظر داشت اوضاع جاری در افغانستان و نزدیک شدن سال ۱۳۹۳ / ۲۰۱۴ زمان خروج نیروهای بین المللی از کشور، و به منظور بهبود روند جاری در افغانستان، بنیاد شهید احمدشاه مسعود بنا بر مسوولیت ملی خویش و به سلسله تلاش های پیگیرش، به هدف ایجاد نزدیکی و تفاهم میان نخبگان کشور در محور یک اجندای ملی، تدویر یک نشست بین الافغانی را در نظر دارد.

بدین منظور، از همه نخبگان سیاسی، فرهنگی و اجتماعی کشور که به خاطر جستجوی راه حل ملی تلاش فراوان داشته اند، ارادتمندانه تقاضا داریم که از اشتراک و سهم گیری خویش در این نشست، دفتر مرکزی بنیاد شهید مسعود را قبلاً اطلاع دهند.

دفتر مرکزی بنیاد شهید احمدشاه مسعود

ایمیل و شماره های تماس:

awmasoud@hotmail.co.uk - ۰۷۰۰۰۵۰۰۰۰

rowzana@yahoo.com - ۰۷۰۰۲۷۷۷۸۱

mandegar.daily@gmail.com - ۰۷۵۲۰۴۴۲۱۰

۰۷۰۰۲۶۳۱۵۲

۱۸ تن در حملات انتحاری در کابل و خوست جان باختند



بین قربانیان شماری افراد ملکی دیده می شوند، اما از پرسونل وزارت دفاع کسی آسیب ندیده است. یک مقام که در نزدیکی وزارت دفاع افغانستان حضور... ادامه صفحه ۶

در یک حمله انتحاری شدید صبح روز گذشته در دروازه وزارت دفاع افغانستان، دست کم ۹ تن کشته شدند. در حمله انتحاری دیگری نیز ۸ کودک و یک پولیس در خوست کشته شدند. سخنگوی وزارت دفاع افغانستان گفته است که در نتیجه حمله انتحاری صبح روز شنبه، شماری از غیرنظامیان کشته شدند. مقامات وزارت دفاع گفته اند که در این حمله حداقل ۹ تن کشته شدند. گروه طالبان مسوولیت این حملات را بر دوش گرفته است.

در همین حال، در نتیجه یک حمله انتحاری دیگر هشت کودک و یک پولیس روز شنبه در شهر خوست کشته شدند. مقامات خوست ولایت در بیانیه یی گفته است: «یک مهاجم انتحاری بمب خود را در نزدیکی یک گزومه مشترک پولیس افغانستان و نیروهای بین المللی در خوست منفجر کرد.»

جنرال ظاهر عظیمی، سخنگوی وزارت دفاع افغانستان به خبرگزاری فرانس پرس گفت: «یک مهاجم انتحاری خود را در فاصله ۳۰ متری دروازه وزارت دفاع منفجر کرد. در

روزنامه ماندگار برای سال آینده خورشیدی مشترک می پذیرد



برای دانشجویان و اساتید دانشگاه

سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی

شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی

نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی

یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

دفاتر خارجی

سه ماهه - ۱۰۰ دالر

شش ماهه - ۲۰۰ دالر

نه ماهه - ۳۰۰ دالر

یک ساله - ۴۰۰ دالر

روزنامه ماندگار

Mandegar Daily newspaper

نارسیده به منزل یا دفاتر

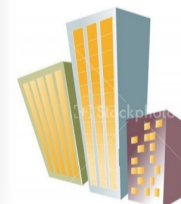
سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی

شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی

نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی

یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

برای دفاتر



سه ماهه - ۱۲۵۰ افغانی

شش ماهه - ۲۵۰۰ افغانی

نه ماهه - ۳۷۵۰ افغانی

یک ساله - ۵۰۰۰ افغانی

حساب بانکی روزنامه ماندگار در میوند بانک: Mandegar daily Bank Account in Maiwand- Bank: 1001201077988

برای اشتراک در روزنامه با این شماره ها به تماس شوید: ۰۷۸۴۳۰۱۶۴۰ - ۰۷۷۶۹۳۰۵۶۵

Zawul Institute of Higher Education



موسسه تحصیلات عالی زاوول

موسسه تحصیلات عالی زاوول که راجستر شده وزارت تحصیلات عالی می باشد، به منظور بلند بردن سطح دانش هموطنان عزیز در رشته های مختلف، با معیارهای قبول شده علمی تاسیس گردیده است. این نهاد در جهت بهبود کیفیت زندگی مردم افغانستان، از طریق بلند بردن ظرفیت و توانایی های کاری و علمی با هدف تربیه کادر مسلکی با سیستم عالی درسی خدمت می نماید.

طوب معالجوی
حقوق و علوم سیاسی
داخله
جریان دارد